



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی و قانونی - سؤالات -

شماره تلفن: ۸۸۹۴-۸۸۹۵ - ۸۸۹۶-۵۴۴۸

سال چهارم - شماره ۹۸۴

صفحه ۳۱۸۹

۱ شنبه ۱۳ تیر ماه ۱۳۲۷

بیر: سید محمد شمشیری

دوره یازدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۲۵۸۸

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

- ۱ - بقیه صورت مشروح مذاکرات هشتادمین جلسه دوره یازدهم از صفحه ۱ تا ۱۶
- ۲ - آگهی های رسمی ۱۷

مذاکرات مجلس

بقیه جلسه ۸۰

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز ۳ شنبه هشتم تیر ماه ۱۳۲۷

فهرست مطالب:

- ۱ - بقیه مذاکره در برنامه و رای اعتماد بدولت .
- ۲ - موقع دستور جلسه بعد ، ختم جلسه .

مجلس مقارن ساعت ده صبح بریاست آقای رضا حکمت بعنوان بعد از تنفس تشکیل گردید

۱-بقیه مذاکره در برنامه و رای اعتماد بدولت .

کاملاً موافق بودم و تمام آن بیاناتی که ایشان فرمودند مثل این بود که خود بنده خدمت آقایان عرض میکنم هیچگونه اختلافی بین بنده و فرمایشات ایشان نبوده چون ایشان از لحاظ اینکه خواستند تخطئه کرده باشند مخالفت ایشان را طوری وانمود کردند مثل اینکه کس دیگری بایشان القاء کرده و ایشان روی دوستی و روابطی که با آقای طباطبائی دارند این بیانات را اینجا فرمودند و بنده خواستم خدمت ایشان متذکر بشوم و خاطر ایشان را توجه داده باشم که بنده کتاب کودتای ۱۲۹۹ را نوشته ام و با آقای آقا سید ضیاءالدین هیچگونه رابطه ای ندارم ولی بیانات ایشان را تصدیق و تأیید میکنم (کشاورز صدر-طبق ماده ۱۰۹ اخطار نظام نامه ای دارم) و اهانتی هم نکردم که شما از ۱۰۹ استفاده فرمائید (کشاورز صدر- تعریف فرمودید) تعریف هم نکردم. بنده با کابینه

رئیس در جلسه قبل پیشنهادی آقای باقلاقلیج کرده بودند بواسطه کافی نبودن عده جهت اخذ رای بامرورمو کول گردید حالاً فرائد میشود که رای گرفته شود .

(بشرح زیر مجدداً فرائد شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی پیشنهاد کفایت مذاکرات مینمایم .

رئیس - آقایان که باین پیشنهاد موافقت فرمایند (عده کمی برخاستند) تصویب نشد آقای مکی .

مکی - انشاءالله آقای کشاورز صدر بنده را که تاریخ کودتای ایران را نوشته ام طرفدار آقای سید ضیاءالدین طباطبائی قلمداد نفرمائید ولی در همین حال خواستم خاطر ایشان را متوجه این اصل بکنم که بنده با فرمایشاتی که آقای حائری زاده اینجای فرمودند

آقای وزیر مخالف هستم و البته این مخالفت نه تنها از موقعی بوده که بایشان اینجا رای تمایل داده شده ، من از آن روز این مخالفت را ابراز کردم، مخالفت بنده از موقعی بود که کابینه آقای قوام السلطنه ساقط شد و در رای تمایلی که داده میشد آنروز هم برای ایشان فعالیت میکردند بنده جزء طرفداران جناب آقای دکتر مصدق بودم و آن روز هم در کردارهای مجلس با بعضی آقایان و کلاس سرکاندید شدن ایشان بلکه بگو نگویی کردیم که در جراید منعکس شد بعد ایشان با وسایلی با بنده وارد مذاکره شدند که سبب مخالفت شما با من چیست و یک جلسه طولانی که شاید ساعت طول کشید بنده دلایل مخالفت خود را با زمامداری ایشان یعنی در رأس دولت فرار گرفته تن ایشان مفصلاً بحث کردم آخرش هم که میخواستیم بلند شویم از مجلس بنده بایشان عرض کردم که بنده باین دلایل بازمامداری شما مخالف هستم و البته هر خلال این مدت هم گاهی ملاقات میکردیم ایشان بنده را سرافراز میفرمودند بنده منزل تشریف می آوردم کارت می گذاشتند بنده باز دیدم ایشان میرفتم و تشریف نداشتند کارت میگذاشتم روابط خصمانه ای بین بنده و ایشان نبوده و همانطور هم که در آن جلسه طولانی ضمن بحث بایشان گفته شد بنده هیچ گونه سابقه خصومتی با

• عین بقیه مذاکرات مشروح هشتادمین جلسه از دوره یازدهم قانونگذاری

اداره تنه نویسی و تحریر صورت مجلس

ایشان نداشتم خودشان هم تصدیق میکنند که مخالفت بنده مبتنی بر يك خصومت قبلی نبوده بلکه برای اجابت ندای وجدان بوده که بنده با ایشان مخالفت کردم و امروز هم که بنده با ایشان مخالفت هستم و سر آقایان را دردم می آید فقط روی ندای وجدان است که بنده میگویم آن بار مسئولیتی را که بردوش دارم در مجلس شورای ملی بزمین بگذارم والا هیچ گونه سوابق سوئی بین بنده و ایشان نه تنها نبوده بلکه سوابق دوستی و مودت هم بوده. چند روز مانده بود که کابینه آقای حکیمی ساقط بشود يك روزی آقای هژیر ضمن خروج از جلسه بمن گفتند که فلانی من با تو کاری دارم گفت چشم رفتم يك گوشه ای نشستم و بمن گفتند که من خواهم میگویم تمام آقایان بگویند که من کاندید ریاست وزرایی نیستم و داوطلب این کار نیستم و اگر آقای حکیمی بخواهند کابینه خودشان را ترمیم بکنند من حتی داوطلب و کاندید نیستم و وزارت دارائی هم نیستم این را بابت مقام رفقایان بگویند بلافاصله آقای حائری زاده و آقای آشتیانی زاده وارد شدند رفتم توی اطاق جلسه خصوصی و همین مذاکرات بین ما چهار نفر ادامه پیدا کرد و آقای هژیر صریحاً همین بیان را فرمودند و قسم هائی خوردند که من نه کاندید ریاست وزرایی هستم و نه اینکه اگر آقای حکیمی کابینه شان را ترمیم بکنند من کاندید نیستم و وزارت دارائی هستم منظورشان از این بیان تصور میکردند که ما اگر يك مخالفت شدیدی با آقای حکیم الملک نمی کنیم و در عین حال با آقای نجم الملک کمال موافقت را داریم در مجلس موافقت میکنیم نگرانی ما از ایشان است یعنی چون میدانیم که بعد از ایشان میخواهند ایشان را بیاورند ما آقای نجم الملک را تقویت میکنیم در صورتیکه نظرمان این نبود ما کارهای اساسی هر دولتی را تقویت می کنیم ، تأیید میکنیم و کارهای غیر اساسی هر دولتی را ولو اینکه برادر بنده هم رئیس الوزرا باشد اگر کار غیر اساسی خواست بکند بنده با او مخالفت می کنم نظر ایشان تصور میکنم بیشتر بآنجهت بود که بتوانند سرای مخالف برای کابینه آقای حکیمی درست کنند در صورتیکه ما نه جبهه مخالفین کابینه آقای حکیم الملک بودیم نه جبهه موافقین ایشان بودیم ولی وقتی که دیدیم جریان این طور است و يك مسئولیت وجدانی داریم بنده و آقای حائری زاده قبل از اینکه اعلان رأی بشود از جلسه رفتم بیرون و از عده حاضر در جلسه کسر شدیم روی همین جهات ما می خواستیم با کابینه آقای حکیمی نه منتنع شده باشیم نه مخالف شده باشیم و نه در عین حال جزء موافقین باشیم ولی جزء غائبین محسوب بشویم ما رفتم بیرون . بعضی ها ان قبیل اعمال آقای هژیر را زرنکی میدانند ، اینچنین سیاست بازی کردن را زرنکی میدانند ولی من فراموش نمی کنم در یکی از ادوار یکی از وکلا در همین مجلس به آقای هژیر گفت ، هلی این ابی طالب پمرو عا س گنت که شما خیال می کنید که خوبی زرنک هستید اگر برهیز کاری نبود من بشما میگفتم که کسی از شما زرنکتر است شما زرنک نا برهیز کار هستید بنده هم می خواهم بایشان عرض کنم که اینها را در زندگی زرنکی و سیاست بهی نمی گویند این ها را نایر بهز کاری بهی میگویند . و اما یکی از دلایل

مخالفت بنده با آقای هژیر آن روح دیکتاتور منشانه ای است که ایشان دارند همه آقایان می دانند که در کابینه آقای ساعد ایشان وزیر کشور بودند لایحه ای بمجلس شورای ملی تقدیم کردند که این متن لایحه است که بنده از اداره قوانین گرفته ام دو ماده اش را میخوانم ۱ - مشغول نمودن کارمندان دولت در تمام یا قسمتی از وزارتخانه ها بمقررات نظامی بنوعی که مأمورین و مستخدمین مزبور در حکم افسران و نظامیان زیر پرچم باشند ۲ - مشغول نمودن کلبه کارخانجات و کارگران اعم از کارخانجات دولتی و غیر دولتی بمقررات نظامی بنوعی مذکور در بند اول - وزیر کشور بوده اند ایشان (دهقان - تاریخش چیست ؟) تاریخش ۱۶ - ۳ - ۱۳۲۳ است (پانیزی - مقدمه اش را بخوانید) مقدمه اش را میدهم خدمت خودتان پس این روح در همه موقع در آقای هژیر بوده و من نمی دانم چه طور ایشان خودشان را پرورده مشروطیت میدانند . پس از اینکه این لایحه را آقای هژیر بمجلس دادند جراید طهران بطور کلی در زیر عنوان حکومت شلاق و غیره مقالات متعددی منتشر کردند و بحث کردند روی این لایحه و بالتبینه دولت و کمسیون کشور نتوانستند روی این موضوع يك نتیجه مثبتی بگیرند و این لایحه را مرحله عمل در بیاورند پس برای بنده نسبت با آقای هژیر روی این لایحه از همان روز يك اثر روحی پیدا شد که ایشان يك روح دیکتاتور ما بی دارند و ایشان در پشت این تریبون فرمودند که من پرورده مشروطیت ایران هستم و بطوریکه اینجا گفتند سن ایشان ۴۶ سال بیشتر نیست ۲۷ سالتن از ۱۳۰۰ با اینطرف بوده که بیست سالتن دیکتاتوری بود هفت سالتن یعنی شش سال و خورده ای شش سال و چهار ماهش هم همین وضعی بوده است که ما داریم می بینیم اگر از شهر یورپیست بگیریم درست ۷ سال میشود که ایشان در کابینه های مختلف بودند من میدانم که از بدو تولدشان تا سن ۱۹ سالگی که بقیه این مدت است ایشان چه خدمتی به مشروطیت ایران کرده اند که خودشان را پرورده مشروطیت ایران میدانند (گلبدی - اهل تاریخ هستند) بنده بادیکتاتوری البته همانطور که کرا گفته ام مخالف هستم و برای این که خاطر آقایان را متوجه دیکتاتوری کرده باشم اجازه بدهند آقایان نمایندگان محترم که بنده يك دور نمائی از سوابق نمایندگانی که فعلاً در مجلس شورای ملی هستند و مدت ها در سیاهچال ها بودند بمرض مجلس شورای ملی برسانم بعد هم اشاره ای بوضع دوره چهارم و پنجم مجلس شورای ملی بکنم و بعد هم اشخاصی که تغییر عقیده داده اند معرفی بکنم همه آقایان میدانند ۲۸ نفر از نمایندگان موجود در مجلس شورای ملی ایران کسانی بودند که در زندان دیکتاتوری در آن سیاهچالها بسر میبردند آقای قبادیان يك نمونه بارزی است از زجر دیده های دوره دیکتاتوری (خنده نمایندگان) ایشان ۱۳ سال ۱۲ سال در زندان بوده اند و نمونه های هستند از کسانی که مصائب دوره دیکتاتوری را متحمل شده اند ۱۴ سال ایشان در زندان بوده اند جرم آقای قبادیان را من نفهمیدم چه بود چرا باید کسی که دو دوره بهدش و کبل شده است مورد امتداد اهالی کرمانشاهان هم

بوده است و بهین جهت هم بایشان رأی داده و بنمایندگی خودشان انتخابش کرده اند چرا باید آقای قبادیان ۱۰ سال در زندان باشند ؟ (قبادیان - بنده ۱۲ سال در زندان بودم چون من دیکتاتوری را دوست نداشتم حالا هم دوست ندارم) و اگر شهر یور ۲۰ نیشد مسلماً آقای قبادیان از این زندان سر سالم بیرون نمی آوردند یکی دیگر از نمونه های زجر دیده دوره دیکتاتوری آقای عبدالقدیر آزاد هستند همه آقایان با فکر آقای عبدالقدیر آزاد کم و بیش آشنائی دارند روزنامه اش ناشر افکارش بوده از شهریور ۱۳۲۰ باین طرف که وارد مرحله نویسنده کی شده مردی آزاده و آزاد مرد و بتسام معنی حامی دموکراسی و حامی حفظ حدود مشروطیت ایران و مبارز بانسداد هم بوده من میدانم چرا آقای عبدالقدیر آزاد باید ۱۴ سال در زندان بمانند و هر آن منتظر پزشک احمدی باشند که باید آمبول آخری را بزنند (بانامقلیج - اینجا مال دوره گذشته است) آقای بانامقلیج خواهش میکنم توی فرمایشات بنده عریضی نکنید (خنده نمایندگان) در عریض بنده فرمایشاتی نفرمایید اگر در عریض بنده فرمایشاتی نفرمایید بنده هم عرض خواهم کرد خواهش می می کنم جناب عالی در عریض بنده فرمایشاتی نفرمایید آقای قائم مقام الملک ایشان یکی از افرادی بودند که در ادوار مختلف مجلس شورای ملی سمت نمایندگی مجلس شورای ملی را داشته و يك فرد مورد احترامی هم بوده اند هر دوره ای و امر و زمانند هم مورد احترام هستند (صحیح است) همه آقایان می دانند که ایشان مدتی در زندان بوده اند و مدتی هم در گیلان در ده خودشان در زیر نظر مأمورین شهر بانی بسر میبردند (دماوندی - درده خودشان نبودند) بالاخره در يك جانی تحت نظر بودند از این نمونه ها بنده در مجلس شورای ملی زیاد سراغ دارم و بطوریکه احصاء کرده ام ۲۸ نفر از نمایندگان امروز آقای نایب رئیس آقای امیر حسین خان بختیار آقای وکیللی آقای شادلو ، آقای ذوالفقاری ، آقای اسکندری آقای نراقی و غیره که بنده احصاء کرده ام ۲۸ نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی ایران کسانی بودند که در زندان دیکتاتوری زجر دیده اند بنده خوب بخاطر دارم که یکی از رجال این مملکت از من گله کرد که آقای تودر دوره چهارم در تاریخ نوشته ای که من این اظهار را کرده ام چه اجباری داشتی که این را بنویسی ۲۰ سال از این جریان گذشته چه اجباری بود که این را بنویسی مردم یادشان رفته بود آرزو من اینطور فکر میکردم امروز فکر من عوض شده است علاوه جریان بیست ساله بمن يك درس عبرتی داد و من اشتباه کرده بودم و راهرا اشتباه رفتم خوب بود اسم من را نمی نوشتی من امروز آن افکار ۲۰ سال پیش را ندارم و در افکار تجدید نظر کرده ام چرا اسم من را نوشته ای که مردم خیال کنند که من یکی از عوامل مؤثر دیکتاتوری هستم بنده در جوابی که بایشان دادم عرض کردم جنایات تاریخ مشغول مرور زمان نمیشود ما نمیتوانیم بگوئیم چون هفتصد اند سال از مرگ چنگیز گذشته بنابراین جنایات او را مشغول مرور زمان میدانیم و بگوئیم خدا رحمت کند چنگیز را بگوئیم خدا بیامرز زید را که يك چنین حکومت ظلم و جور در دنیا

بر قرار کرد چرا ؟ برای اینکه هزار و سیصد سال از مرگ زید گذشته و مشغول مرور زمان شده است خیر در تاریخ جنایات بشری مشغول مرور زمان نمیشود اگر کسی يك روزی اینجا يك کاری کرد يك رائی داد اینرا تصور نکنند که مرور زمان و دور ایام محوش میکنند بلکه مرور زمان و ایام جنایات بشری و جنایات تاریخ را روز بروز بزرگتر از آنچه که بوده نشان میدهد این بود که آقایان نمایندگان محترم را خواستم باین نکته توجه بدهم که اگر امروز يك رائی بدهند يك اقدامی بکنند از موافق یا مخالف اینها فردا در تاریخ ثبت می شود و آتی و نسلهای بعد روی این اشخاص قضاوت میکنند مسبب بدبختی یا موجب خوشبختی هر دو شان تمیز و تشخیص داده میشوند و اتفاقاً هم تاریخ خوب میتواند قضاوت کند همه آقایان میدانند که مرحوم فروغی یکی از اشخاصی بود که از لحاظ ادبیات و علم شاید از مشاهیر و نوایح این مملکت بود و خدمات زیادی باین مملکت کرد (صحیح است) کتب زیادی در دسترس اشخاص گذاشت مدتها رئیس فرهنگستان ایران بود چندین مرتبه بتهای وزارت چند مرتبه بیست ریاست وزرایی بایشان داده شد ایشان از کسانی بودند که در دوره رضاشاه سمت نخست وزیری را داشتند و یکی از کسانی بودند که برضاشاه خدمات خیلی ذیقیمت و برجسته ای کردند همین مرحوم فروغی که اینقدر ادبیات و رضا شاه خدمت کرد يك موقع کارش بجائی میرسد که وقتی مرحوم اسدی را میگیرند کاغذی مینویسند در جواب بایشان مینویسد که در کف شیرین خونخواه ای - غیر تسلیم و رضا کو چاره ای ؟ شیرا تربیت کرد و بعد اظهار عجز کرده همین مرحوم فروغی خدمت کرد ولی بعد وقتیکه نوبت بخودش رسید گفت در کف شیرین خونخواه ای غیر تسلیم و رضا کو چاره ای ؟ چرا انسان شیر خونخواه تربیت بکند و بعد اظهار عجز کند که در کف این ، چاره ای ندارم همین مرحوم اسدی از کسانی بود که بدوره رضاشاه خدمت کرد و سر نوشت او را دیدیم که با چه نحوی او را مجازاتش کردند و اعدامش کردند بعد در سال ۲۳ که پرونده را آوردند تجدید نظر کردند حکم برائتش را صادر کردند و گفتند جرمی نداشته و بیخود اعدام شده است و اگر شهریور ۲۰ پیش نیامده بود همین آقای اسدی هم در زندان بودند بنده میخواهم خاطر نمایندگان محترم را باین نکته توجه داده باشم که استدعا کنیم شیر نر خونخواه تربیت نکنند که در کف جز تسلیم چاره ای نداشته باشند اگر دموکراسی برقرار نمیشد این ۲۱ و ۲ نفری که عرض کردم نمیتوانستند افتخار نمایندگی ملت ایران را داشته باشند ولی اگر شیرین خونخواه پیدا شد جز در گوشه زندان و گیر پزشک احمدی افتادن راه دیگری ندارد و بنده چون صرف نظر کرده ام از آتیاهم و فکر و کالت دوره بعد را نمیکنم آنچه را که بنظرم میرسد و آنچه را که وظیفه وجدانم میدانم بمرض نمایندگان محترم میرسانم شاید مختصری از این عریض من مورد توجه آقایان قرار بگیرد و يك تجدید نظری در آراء خودشان بفرمایند بعضی از آقایان بگویند که نگرانی از بیداریش حکومت دیکتاتوری مورد ندارد و این سروصدائی که بعضی از جراید و بعضی از اشخاص راه میاندازند اینها اساساً وارد نیست و امروز هم در کمال آزادی مملکت اداره میشود و بیخود

چرا ، احساس ترس و وحشت از حکومت دیکتاتوری کرده باشیم بنده من باب مثال بکسند ذیقیمت از دوره ناصرالدین شاه آورده ام که باستحضار مجلس شورای ملی ایران میرسانم و مقایسه ای میکنم دوره ناصرالدین شاه یادشاه مستبیدی را که میگفتند پادشاهی است خونخوار و مستبد با امروز که ما حکومت دموکراسی مطابق اصول قانون اساسی و متمم قانون اساسی داریم با اجازه آقایان این سند را قرائت میکنم و فضاوتش را بفهم خود آقایان و اگر بکنند نامه ای است که خود ناصرالدین شاه بسفارت اتریش نوشته (دهقان - آقای هژیر آنروز چکاره بودند) اجازه بفرمایید مقایسه میکنم با آنروز که شلیک کردند سواد دستخط مبارک همایونی روحنا فداه که بسفارت اتریش فرستاده شده دیروز برای زیارت بعضرت عبدالعظیم برای وداع میرفتم در کالسکه بودم جمعیت بسیار قلبی همراه من بودند در میدان توپخانه بقدر ۵۰ نفر بلباس سربازی دیدم ایستاده اند و یکی از آنها عریضه در دست دارد گفت عریضه را گرفتند آوردند عرض بیهیمنی کرده بود که باید ما را مرخص خانه بکنند بدون اینکه در این مرض حقی داشته باشند من گفتم که مرض شما قبولست بعد از مراجعت از سواری قرارش را میدهم باین جواب متقاعد نشده توی کوچه دور ازدحام مردم و هابرین پشت سر کالسکه ما فریاد میکردند میگفتند حالا باید جواب داده شود و سنگهای کوچه را برداشته بنوکس هائی که عقب سر میآمدند زدند يك سنگ بر سر نایب امیر آخور خورد که بد حال شده از اسب افتاد و سنگهای دیگر هم بملزمن رکاب انداختند پس هلاک الدوله که در رکاب بود صدمه سنگ برداشت و همانطور باجماع توی کوچه از عقب کالسکه میآمدند و سنگ می انداختند من بکالسکه چی گفتم اسبها را بدواند چون يك سنگ هم بیشه کالسکه ما خورد اگر کالسکه چی تند نمیرفت یقیناً کالسکه را احاطه میکردند نمایندگانی چه واقع میشد باز هم از عقب همانطور آمدند تا نزدیک سرباز خانه فوج آذربایجانی رسیدیم آنجا من فرستادم صد نفر سرباز از آن سرباز خانه آوردند و حکم شد آنها را بگیرند بیست نفر از آن اشرار را که در حقیقت باقی شده بودند و کمال بی احترامی بشان سلطنت ما کرده بودند گرفتار شدند برندن بحدکه نظامی بعد از تحقیق معلوم شد که ده نفر از آنها سرباز نبوده از طایفه بابیه بودند و خیال شرارت زیاد بجمع ممالک و سرحدات ایران میرسد چون ماهم فردای آنروز باید ترك پایتخت را کرده بسفر بشما برویم اگر حکم بکنیم بفرستیم آنها صادر نمیشد من چه طور می توانستم بسفر بروم با سفارتخانه های شما بچه اطمینان در همچو شهری میدانم کسانی که جرئت بکنند در کوچه های پایتخت سنگ بکالسکه من بی جهت بیندازند البته بعد از آن خانه های شما را قارت میکردند و نظم پایتخت و نظم مملکت ایران کلیه ضایع و خراب میشد و الا شما همه کس میداند که من راضی نیستم بهورچه اذیت برسانم اما وقتیکه بر سر من در پایتخت بریزند سنگ بیندازند چاره بجز تنبیه و سیاست نداشته بون شمارا دولتخواه خود میدانم این بود که تفصیلاً بفرمایم قسم بی کم و زیاد گفتم بعتمه الملک بشما بیان نماید میل دارم

که از اینقرار بدولت متبوه خودتان هم بطور ابریت نمانید که طور دیگر نوشته نشود که ۰۰۰ در حال دولت شما ما را ظالم بدانند بلکه در این فقره مظلوم بوده ام این يك سندی است که ناصرالدین شاه بطور متحد المال بتمام سفارتخانه های مقیم تهران نوشته و آنوقت هم این اصل از قانون اساسی نبوده اصل بیست و یکم - انجمنها و اجتماعاتی که مولد فتنه دینی و دنیوی و مفسد نظم نباشد در تمام مملکت آزاد است ولی مجتهدین با خود اسلحه نباید داشته باشند و ترتیباتی را که قانون در این خصوص مقرر میکند باید متابعت نمایند اجتماعات در شوارع و میدانهای عمومی هم باید تابع قوانین نظمی باشد این اصل متمم قانون اساسی است البته فرمایشاتی دیروز جناب آقای رئیس فرمودند که کمالاً روشن کرد از طرف مقام ریاست دستور شلیک داده نشده و همه آقایان توجه داشتند که از دو روز قبل از ۴ شبه در اول خیابان شاه آباد اول سر چشمه سر خیابان زاله سر خیابان صفیلیشاه و چند جای دیگر يك دسته هائی از نظامیان مسلح ایستاده بودند از شب پیش آنسای هژیر نقشه چنگ روز پنجشنبه را کشیده بودند و روز پنجشنبه مسلم بود که اینها را میخواهند بیاد مسلسل بگیرند این اصل از قانون اساسی بوده است بنام ناصرالدین شاه هم که آنطور سرش آوردند در حکومت مطلقه استبداد آنطور رفتار شده چرا ؟ برای آنکه آن وقت سلاطین معتقد بودند که رعیت چو بیخند و سلطان درخت درخت ای پسر باشد از بیخ سخت آنها برهیت اینطور اعلان جنگ و اعلان جهاد نمیدادند بنده و سایر رفقایان دلایل و شواهدی در دست داریم و همچنین از مقام ریاست و مجلس شورای ملی و رفقای بنده که در کمیسیون عریض هستند تقاضا کردیم برای حفظ آثار جرم يك کمیسیون معین بشود تا این شواهد و دلایل از بین نرود چون چند نفر مفقود الاثر شده اند ایشان میگویند که کسی فوت نشده بکسی تیر نخورده پس آن زنی که بیانش تیر خورده یا آن کسی که آنروز آوردند آقای دکتر ملکی یانسان گردن دانه ای چه چیز خوردند یا آتهائی که مفقود الاثر شدند چه طور شدند البته آمار و احصاء هائی نبوده که چه عده ای بطرف مجلس حرکت کردند یکدسته زیادی در این گیرودار لطمه دیدند ما نمیدانیم کی تلف شده یا نشده چند نفر مفقود شده اند که معلوم نیست خاکشان کردند یا نکردند البته دلایلی است که بعداً باید تکمیل بشود بهر حال بنده میخواستم بایشان جواب داده باشم از طرف مجلس شورای ملی و مقام ریاست چنین دستوری که بزنید نبوده خاصه جلوی مسجد سیهسالار که مقام ریاست مجلس شورای ملی که ایشان نمایند مجلس شورای ملی هستند و مقام ریاست مجلس را دارند حفظ نظم مجلس را تا دم بپهنه دارند و هر امریکه میفرمایند نسبت بوکلا و نسبت بمحوه مجلس همان طوریکه خودشان فرمایش فرمودند مطاع و متبع است ولی جلوی مسجد سیهسالار و سرچشمه را مقام ریاست چکار دارند خیال میکنم این از آن حرفهائی است که هیچکس نمیتواند باور کند برای اینکه خودشان میدانند

کسیکه رئیس گارد مجلس است میدانند که مقام ریاست چنین دستوری نخواهد داد و بلاوه چنین امر دستور کتبی میخواست همین با حرف که مقام ریاست فرمودند جلو مسجد سهسالار مردم را بزنید هیچ همچو چیزی نبوده این لوٹ کردن جرم است فرمایشات جناب آقای رئیس را شنیدیم و همه مجلس هم تصدیق کرد و دیگر نمیتوانند این نسبت را بدهند که مقام ریاست گفتند جلوی سرچشمه مردم را بزنید بلکه فردا آمدند یک اتفاقی در شهری افتاد گفتند که مقام ریاست دستور دادند که شهری را هم بتوب بپندید این مسوم نیست اصلا آنوقت یک عدهای این جا تظاهر میکنند ۶ نفر از تظاهر کنندگان را تا میخورند کشت زنده از بالا و باین هم اعتراض شد که چرا میزنید وقتی هم به معکه میرند آقای وزیر دادگستری فشار می آورند که نباید اینها را برتره کرد چنین بکنید چنان بکنید بگیرد بیندازد توی هلفدونی در صورتیکه فقط ممکن بوده است چهار روز پنج روز شش روز هفت روز برای اینها حبس قابل اتباع قائل بشوند و پول بدهند و خلاص بشوند حالا اینها را از شان یکی ۸۰۰۰ تومان وجه الضمان نقد میخواهند این را واقعا جز اعلان جنک دادن بملت نمیشود اسمی رویش گذاشت (مسعود تابی - آقای وزیر دادگستری نگفتند) همین آقای وزیر دادگستری گفتند که این پرونده چیزی نیست گفتند آقای وزیر فرمودند خودشان زبان دارند میفرمایند تکذیب میکنند آنوقت بنده هم میگویم جریان چه بوده است یکی از آقایان نوشته است که دو سه نفری را هم که چند روز قبل در مجلس اظهاراتی نموده اند از دیروز بزرندان انفرادی تاریخ انداخته اند دیروز یکی از آقایان اینجا ضمن بیاناتشان ایرادی فرمایشات آقای حائری زاده گرفت و اینطور بیان کرد و انود کرد که ایشان نسبت بسکسانی کدر سفارتخانه های خارجی استخدام شده بودند ایشان نسبت بهمه شان نظرسوئی داشتند و همه را خائن قلمداد کردند نه اینطور نیست خدمت کردن در یک سفارتخانه ای جرم نیست بنده آقا وزید و همرو ممکن است که نوکر بیگانه باشیم و خدمت به بیگانه هم بکنیم ولی این ایطالع هم آقایان میدانند که برای کلی میرفت کار میکرد و مزد میکرد پس خدمت کردن بغارچی جرم نیست خیلی از رجال این مملکت سابق در سفارتخانه های خارجی مدتها کار میکردند و امروز هم خیلی از مردمان شریف و وطن پرست هستند که در سفارتخانه های خارجی کار میکنند و بهمان سفارت خدمت هم میکنند ولی بیانی که آقای حائری زاده فرمودند اعتراضشان این بود که ایشان نباید مال زید را بخورد و خدمت به همرو بکنند من بیشتر از این توضیحی در این باره نمیدهم خود آقایان میدانند یکی از جهات مخالفت بنده با ایشان عضویت در کابینه آقای قوام السلطنه است یک دسته از مخالفین آقای قوام السلطنه این جا همه اش جار و جنجال راه میبندند که کارهای خلاف کرده است و بهمین جهت هم کابینه قبلی اعلام جرم کرد به آقای قوام السلطنه و در همین مجلس هم اعلام جرم قرائت شد و رفت به کمیسیون ، آخر یک مهر و دو نرخ که میشود اگر وزراء مشولیت مشترک داشته طبق این اصل از قانون اساسی که

بنده آنرا میخوانم ، اصل ۶۱ از متمم قانون اساسی وزراء علاوه بر اینکه به تنهایی مشول مسائل مختصه وزارت خود هستند همیشه اتفاق نیز در کلیات امور در مقابل مجلسین مشول و ضامن افعال یکدیگرند . تمام کارهایی را که اعتراض داریم همین تصویب نامه های خلاف قانونی که آقای امیرنیور اعتراض دارند تمام اینها روی پیشنهاد وزارت دارائی بوده ، بطور آقای قوام السلطنه مجرم است یک شهر و دو نرخ که میشود یک بام و دو هوا که نمیشود اگر جرمی در کار بوده که همه وزراء مشول هستند والا نمیشود یکی را آورد رئیس الوزراء کرد و دیگری گفت که برو در زندان این واقعا منطقی بنظر میرسد ؟ که یکی را مجرم قلمداد بکنند و یکی بگویند مجرم نیست ، یکی از جهات مخالفت بنده با ایشان اگر رسیدگی شود همان تصویب نامه هائی است که بنای پیشنهاد وزارت دارائی تصویب شده ، تصویب نامه را که رئیس دولت امضاء بنای پیشنهاد میکنند ، انشاء نمیکند یک وزارتخانه ای یک پیشنهادی میدهد و مینویسد بنای پیشنهاد شماره فلان و تصویب هیئت دولت این تصویب نامه مثلا در تاریخ فلان به وقوع اجرا گذارده میشود این تصویب نامه های خلاف قانون بنای پیشنهاد آقای قوام السلطنه که نبوده بنای پیشنهاد وزارت دارائی و وزیر دارائی وقت بوده است و آقای نخست وزیر با آقای قوام السلطنه بهیئت دولت نبرده اند بنابراین مسلم است که اگر بخواهند باین جرائم رسیدگی کنند بنده معتقدم و عقیده دارم که اول وزیر مشول باید ... (در بنوعی مجلس از اکثریت افتاد و پس از لفظه مجددا اکثریت حاصل شد) وزیر مشول آقای وزیر بوده اند آنوقت ما برویم گریبان آقای قوام السلطنه را بگیریم و سایر وزرائی که در آن کابینه بوده اند بگوئیم شما معاف هستید چون میخواهند نخست وزیر شوند ، اگر جرمی بوده است مال همه است اگر هم توب و حسنه ای بوده است مال همه است برای اینکه طبق این اصل قانون اساسی مشولیت مشترک است هیچکس هم نمیتواند بگوید اگر وزیر فرهنگ در وزارتخانه خود کاری کرد من مشول نیستم نه همه مشول هستند و مشولیت مشترک دارند یکی از اشکالات بنده راجع بطرز تشکیل کابینه است بنده نسبت به بعضی از آقایان وزراء کمال اخلاص و ارادت را دارم و قبل از اینکه بمجلس معرفی شوند من بآنها نهایت دوستی و ارادت را داشتم و شاید هم یکی از انتظارات و یکی از آرزو های من این بوده که آقایان وزیر بشوند و از راه وزارت بمملکت خدمت بکنند یک جوانهایی وارد کابینه شده اند که من بآنها معتقدم آنها در دوره چهارده مبارزه کردند و بعد از دوره چهاردهم مبارزه کردند و صدمه اش را هم خوردند من انتظار داشتم که اینها وزیر شوند و در مملکت یک کارهای حساسی قبول بکنند و خدمتی بمملکت کرده باشند من نمیدانم بجهت مناسبت آقای جمال امامی که یک جوان حساس ، کاری و وطن پرستی است (صیحیح است) ایشان باید دست وزارت مشاور یعنی یگانه را داشته باشند و آنوقت آقای نظام السلطنه مافی بیاید وزارت دادگستری را قبول بکنند (مسعود تابی - چه مانسی دارد) اجازه بدهید مانعش را بنده عرض میکنم آقایان در خارج انتقاراتی که راجع باین موضوع هست توجهی

بعضی ندارند میگویند ایشان برادر زن مرحوم خزعل بوده اند اینجا هم ماحکیت مربوط با ممالک خزعل را با اکثریت آراه الغامه کردیم ، لغو کردیم و حالام که ایشان آمدند اینجا بنده شنیده ام و مسوعات است (فولادوند - مسوعات را فرمائید تا اینجا ما باشا موافق بودیم) البته اگر خلاف باشد ایشان تکذیب خواهند کرد یک مقدارش را هم خود بنده وارد هستم شاید مسوعات هم نباشد بنده مدتها می شنیدم و چندین مرتبه هم از من دعوت شد ، پنج شنبه ها آقای نظام السلطنه مافی نهار میدادند (مسعود تابی - چه مانسی دارد) بنده اول خیال میکردم که ایشان بر نظام السلطنه مافی هستند و استاد تاریخی راجع بقضیه دولت موقتی کرمانشاه دارند کمالینکه خیلی از رجال معمر مملکت بنده لطف دارند و بنده منزل تشریف میاورند بنده اول اینطور تصور میکردم وقتی یک پنجشنبه رفتم دیدم خیلی از رفقای بنده هم آنجا هستند و بعد هم معلوم شد که این نهارهای پنجشنبه ادامه دارد (دهقان - چه هییی دارد) بنده یکدفعه رفتم و دیگر هم هرچه دعوت شد رفتم و عیبی هم ندارد ولی بنده عرض میکنم که عیب این است که آقای جمال امامی وزیر بی یرت فوئی باشند یا آقای منصور السلطنه عدل هم که همه آقایان میدانند استاد دانشکده حقوق بودند از ۱۳۰۰ کفیل وزارت دادگستری بوده و مشاغل متعددی داشتند در تمام کابینه های حسابی ایشان عضو بودند حالا بنده نمیدانم بجهت مناسبت ایشان وزیر بدون یرت باید در این کابینه باشند ، این لابد اسراری درش هست ، یک نفر از نمایندگان در کابینه آقای حکیم الملک هم ایشان وزیر مشاور بودند) در کابینه آقای حکیم الملک که آقای منصور السلطنه وزیر مشاور بودند در رأس دولت هم یک شخصی بود که معمر و محترم بود و ایشان هم از اعلا سرتو تجربه و کار برشان احتیاج هم بود که دانسا با آقای حکیم الملک کار کنند (کلیدی - شما با آن کابینه هم مخالف بودید) خوب حالام که موافق نیستم باری یک موضوع دیگر که آقای وزیر فرمودند و اینجا اظهار کردند که من یک سرباز فداکار هستم و هیچوقت از خدمتی که بر من واگذار شده از زیر بار خدمتی که به من رجوع شده فرار نمیکنم همه آقایان میدانند در شهریور ۱۳۲۰ عده ای که از تهران فرار کردند ایشان هم جزء آن فراریان بودند که با منوچهر نیک بی و آقای فرزین باصفهان تشریف بردید (نخست وزیر - چنین چیزی نیست) (دهقان - در آن موقع که خدمتی بیهوده نداشتند) یک اشکال عده بنده به ایشان که موجبات عدم اعتماد بنده را فراهم کرده موضوع ایشان و پدر ایشان است در وزارت دارائی و من در اینجا یک سندی را که نیتی است قرائت میکنم قضاوتش را هم به آقایان واگذار می کنم پدر آقای وزیر مدتها است که عضو وزارت دارائی است و موقعی که این سند تنظیم شده عضو وزارت دارائی بوده و امروز هم رئیس املاک و اگناری ملزندان هستند و دو مدیر کل هم برای خاطر پدر ایشان هوش شده است و این سند هم در دفتر استاد رسمی شماره ۲ فرزانه سه مرتبه نوشته شده ، امضاء شده و پس از ملاحظه شاید ایشان بشاید شخص دیگری تجدید شده تا باین صورتی کمن اینجا قرائت می کنم

تنظیم شده ، دفتر استاد رسمی شماره ۲ حوزه تهران ، موکل آقای سبف افه باوند فرزند اسمعیل امیر مؤید سواد کوهی دارای شناسنامه شماره فلان از بخش چهار تهران محل اقامت تهران بخش سه خیابان فروردین خانه بانواقلیم باوند ، وکیل آقای محمد هزیر فرزند مرحوم محمد علی ونوق همایون دارای شناسنامه شماره فلان از بخش فلان محل اقامت تهران سه راه سهسالار کتوچه حمام فلان مورد وکالت ، وکالت تام و تمام بلاهول از تاریخ زیر لغایت پنجسال خورشیدی دارند که پس از این که رفع مزاحمت دولت و صدور حکم از محکمه استرداد املاک بشود تمامی دو دانک مشاع از کل شش دانک قریه ۰۰۰۰۰ آقای کلبدی این اسامی را می دانند برای اینکه اسامی کلبدی است ، اسم یک قریه ای است واقعه در بابل ککنار و دو دانک مشاع از کل شش دانک قریه دیگری در بابل ککنار زاندران و یکدانک مشاع از شش دانک قراه یخ محله و قریه دیگر و یکدانک از قریه دیگری واقعه در محال شیرگاه مازندران را بهر قیمت که صلاح و مقتضی بدانند بفروش برسانند و قیمت آنها را دریافت داشته و باقسطی که مقتضی بدانند به موکل محترم کار سازی دارند یعنی هر قدر که خواستند و بهر قیمت بفروشند (مسعود تابی - بایشان چه ربطی دارد ؟) اجازه فرمائید آقای مسعود تابی آنجا که این است چه حاجت به بیان است (ببین اسفندیاری آنجا که بیان است چه حاجت به بیان است) (کشاووز صدر - اول او این کار را کرده و ثابا به هزیر چه ربطی دارد) و اسقاط خیارات بنمایند حدود اختیارات و کبل محترم در تنظیم اوراق و امضاء دفاتر رسمی و اخذ وجه و اسقاط کافه خیارات و امضاء مربوط بفروش هر یک از فقرات نامبرده بالا اختیار بنزله امضاء و اقدام خود موکل نامبرده است یعنی اگر موکل (منصف - موکل دیگر ندارد در همه اسناد این جمله هست) خودتان میدانید یعنی اگر نخواست بدهد میتواند ، ایشان فعلا رئیس املاک و اگناری مازندران هستند ، همه آقایان میدانند که آنها همی که در دنیا میخواهند حکومت بکنند و مورد اعتماد جامعه فرا بگیرند باید نظر شخصی و فردی نداشته باشند (دهقان - آقای مکی تاریخ تنظیم سندی را که خوانده اید چیست ؟) سال ۲۳ است و در سال ۲۳ ایشان با زور وزارت دارائی بودند سرشان هم عضو کابینه بود و بعد هم دو نفر از مدیران کل یکی آقای مهدوی و یکی هم همین آقای بهنیا که الان در وزارت دارائی هستند اعتراضی بکارهای پدر ایشان کردند و ایشان آن دو مدیر کل را از کار برکنار کردند و یک پاداش ۶۷ هزار تومان هم دادند عین همین جریانی است که عرض میکنم و آقای مهدوی اگر تکذیب بکنند بنده قبول میکنم همه آقایان میدانند که جنک جمل فقط بواسطه خاموش شدن چرافقی بوده است یعنی دو نفر از سرداران اسلامی طلعه و زیر رفتند نزد علی این ایطالب گفتند ما آمده ایم سهم خودمان را بگیریم پس از آنکه حضرت سهمشان را برداخت آنها را بیرون بکشد آنها شروع کردند با علی

صحبت کردن که این مقدار کم است برای ما و میخواهند که یک سهم زیادی گرفته باشند علی این ایطالب چراغ را خاموش کرد و اکت که من نمیتوانم گفتند که چرا چراغ را خاموش کردید فرمود که این چراغ از بیت المال مسلمین است که دارد میسوزد و شما این حرفی را که دادید میزنید مهمل است و من نمیتوانم اجازه بدهم که چرافقی که از بیت المال مسلمین میسوزد روشن باشد و تقاضای شما را انجام بدهم و همان باعث شده که آنها رفتند و جنک جمل در گرفت ، کسانی که میخواهند در دنیا یک حکومتی بکنند لافلا باستی این اندازه استحکام داشته باشند که پدرشان را با غیر پدرشان با برادرشان را با غیر برادرشان اختلاقی نگذارند ، اختلاف فاحشی نگذارند من خوب بخاطر دارم که در دوره چهاردهم که فرانسکسیونهای مجلس تصمصیم گرفتند و زرائی در کابینه قبول بکنند آقای مصدق السلطنه بمن پیغام داد که با آقای ضیاء الملک فرمند و چند نفر دیگر که شاید آقای صادقی هم در آن فراکسیون بودند بوسیله آقای ضیاء الملک فرمند پیغام بدهم که اگر یسر من در کابینه بیاید من با دولت مخالفت می کنم در کابینه آقای ساعد بود (دهقان - سرشان هم بیاید و مخالفت هم کردند) (ببین اسفندیاری - کی آقای سرشان اسرمصدق السلطنه آقای مهندس صدق را میخواهند بیاورند در کابینه و گفتند که اگر بیاید در کابینه من مخالفت خواهم کرد (ببین اسفندیاری - سرهای ایشان لایق هستند چرا نیاید ؟) لابد یک جهاتی داشته است که با آن کابینه باز هم مخالفت کردند (مسعود تابی - من عقیده ام این است که چرافقا را حالا خاموش بکنند) یکی دیگر از جهات مخالفت بنده با آقای هزیر موضوع سیاست خارجی ایشان است ، ایشان از لحاظ سیاست خارجی همه آقایان میدانند که بعضی از همسایگان ما نظر خوبی ندارند و من بآنها هم کاری ندارم ولی یک مطالباتی ما داریم و آن ۱۱ تن طلا است در کشور شوروی و این مقدار برای ملت ایران یک چیز نا قابل ویی ارزش نیست یک ملت فلسفی مثل ایران یازده تن طلایش در روسیه انبار شده ما باید یک دولتی داشته باشیم که یک حسن تفاهمی برقرار بکند و بگوید ما بشا دوست هستیم ، همسایه هستیم روابط ما هم باشا حسنه است هیچوقت هم ماقصد تسخیر با کرو و تفلیس و مسکو را نداشتیم اگر ۱۵ میلیون ملت ایران هم سرنیزه بشود معهدا ما با شما خیال جنک را نداریم ۱۱ تن طلا برای ملت ایران چه چیز نمیشود (حاذقی - اگر تقویت بفرمائید کنیم ، این پول پشتوانه اسکناس است بدهید با ، یک ملت ضعیفی باید ملت قوی و گردن کلفتی که نمیتواند طرف بشود و اینکار جز با مسالمت و جز با ایجاد حسن تفاهم و روابط متقابل و دو جانبه با کشور های بزرگ انجام نمیشود مگر بسا زمان ملل متفق یا از دنیای آزاد بخواه کمک بگیریم و بتوانیم حقوق خودمان را بدست بیاوریم ایشان با این سوایقی که داوند بنده اطمینان دارم که برای گرفتن این رفیق بزرگ طلب ایران هیچگونه اقدامی نمیتواند بکنند (ببین اسفندیاری - چرا نمیتواند بکنند ؟) برای اینکه حسن تفاهمی نیست (ببین اسفندیاری - چرا نیست آن ۶ ماه که هنوز نیامده تا بفرمائید چرا نکرید) اما ایشان یک برنامه ای داده اند به مجلس شورای ملی که صورتی هر دولتی میباید اینجا یک مشت مواد مشتمع و بر جسته ای را بر میدارد بنام برنامه بمجلس می آورد و ببقیده بنده و همه آقایان همه اینها همه این حرف است از مرحله حرف هم تا مرحله صل مسافت بسیار است و این مسافت را با پای اراده و با پای تقوی و برهیز کاری باید بپیمود که تا مسافه آن اراده و برهیز کاری را از ایشان نمی بینم بنا بر این آن قسمتی از برنامه که حق ازدست رفته ما را از کمیته نفت جنوب بگیرند یا بتوانند این کار را بکنند بنده در جبین این کشتی این نور رستکاری را نمی بینم (حاذقی حسن ظن پیدا کنید) ولی از جهتی آقایان اگر واقعا دلشان را میخواهند خوش بکنند باین همه ها طرح حسابی راجع به بحرین را مگر آقایان از خاطر نشان رفته است بنده مدتی به تمام آقایان التماس کردم این آقای محمد علی مسعودی شاهد است این طرح بحرین را که همگی سنگ بسینه میزدند مدتی سعی شد تا بهشت امضاء رسید و میگفتند که ما روز هم کم کم در اثر صحبت و مذاکره به ۳۲ امضاء رسید و یک فوریتش را از مجلس گذرانده ایم ، دولتها خادم ملت هستند وقتی که شما یک طرسی را از مجلس گذرانید موظف کردید دولتی را که قوا ببرد دولتی که باشد دولت آقای حکیمی باشد یا دولت آقای هزیر ، من در دولت آقای حکیمی میتوانم این افتخار را بکنم که این طرح را تهیه کردم با مساعت آقایان و با مضامی زیادی رساندم یک فوریتش را هم آقایان با کمال حسن نیت رای دادند رفت بکمیسیون کشور حالا در کمیسیون کشور دفن شده و بمجلس نمی آورند و میخواهند حرف باشد نه عمل این یک حرف دیگری است و امری است علیحده والا این طرح بکمیسیون کشور رفته و این گزارش را اگر بیاورند و فوریت دومش هم تصویب بشود دولت مجبور است اقدام بکنند هم چنین در برنامه گفته میشود راجع باستیفای حقوق از دست رفته ایران نسبت به نفت جنوب این اشکالی ندارد یک طرسی ... (در این موقع مجلس از اکثریت افتاد و پس از چند دقیقه اکثریت حاصل شد) یک طرسی آقایان بیاورند و دو فوریتش را تصویب بکنند که دولت موظف است در ظرف یکماه یادوامه این عملیات را راجع بنفت جنوب بکنند دولت خادم مجلس است ، دولت خادم ملت است نماینده ملت هم مجلس است و یک سانکسیون هم برایش قائل شوند که اگر نکرد یک چنین سانکسیون هم دارد و بجای حرف عمل تحویل بگیرد ، اما در این موقع بنده می بینم بعضی از آقایان فقط میگویند برنامه چون این وعده هارا داده است خوبست ، کدام یک از دولتهائی کدر ادوار مشروطیت بمجلس معرفی شده اند در مقابل برنامه هائی که داده اند ، کدام عمل را کرده اند جز اینکه آمده اند اینجا و یک متت حرف تحویل و کلاه داده و عملی هم در کار نبوده است بنده اطمینان دارم که از این دولت و از این حرفها هیچگونه عملی تحویل مجلس شورای ملی نخواهد شد اینها همه اش حرف است و از مرحله حرف تا عمل عرض کردم مسافت بسیار است و بلاوه من نمیدانم بطور کابینه آقای هزیر با این کیفیتی که هست میتواند موقوف

حاصل کند آقایان تمام مسیوق هستند که در مجلس افکار مختلف است، دستجات مختلف است، فراکسیون های مختلف هم هست حتی در اقلیت هم افراد از لحاظ فکر و عقیده باهم فرق دارند آقای وزیر در همان ملاقاتی که با من کردند گفتند اگر شما با من موافقت نکنید من هر چه شما بگوئید موافقت میکنم یا هر کسی هر چه بگوید میکنم من گفتم همین دلیل باشما مخالف هستم شما هر چه که بصلحت مملکت باشد باید بکنید نه هر چه که بنده عرض کردم بنده عرض میکنم که باید مجلس را خراب کرد آیا باید یک چنین کاری را کرد، این جا افکار مختلف است یک دسته ای میگویند فلان مالیات باید گرفته شود یک دسته های دیگر میگویند که یک طبقه ای نباید فلان مالیات را بدهند و دسته دیگر بر عکس، پس وعده هائی که ایشان میدهند همه باهم تناقض دارد و من نمی دانم ایشان جمع بین اضداد را میخواهند بکنند و با برای جمع آوری رأی است که بهر نماینده ای یا بهر دسته ای از این وعده ها میدهند که من اینکار را خواهم کرد در صورتیکه یک کدام از این وعده ها اگر موافق عقیده یک دسته ای باشد مخالف دسته دیگری خواهد بود لایل مخالفت بنده همین هائی بود که عرض کردم و همه آقایان میدانند که بنده اهل تندخویی و کلمات زننده تاجائی که مقتضیات ایجاب میکنند بوده و بنده ولی در همین حال از مبارزه هیچوقت روگردان نبودم و معتقدم که اگر انسان با کفن خونین در خاک غلطان و مدفون شود بهتر از آنست که با دامن حریر آلوده و ملوث بفاک برود من مبارزه را تا این حد ادامه میدهم در هر مرحله ای که باشم از میدان در نیروم کتک هم بخورم از میدان در نیروم فحش هم از جرایم موافق دولت بشنوم از میدان در نیروم، یک راهی است انتخاب کرده ام و این راه را تا زمانی که نماینده باشم این وظیفه را در مجلس انجام خواهم داد آقای وزیر هم با سایرین برای بنده هیچ تفاوتی ندارد و من یک وظیفه ای دارم که آن وظیفه خود را انجام خواهم داد و اینطور تشخیص دادم که حق با ما است حق هیچوقت محکوم نمیشود امیدوار هستم و بفرس هم که اگر یک وقتی حق مغلوب شود استناد میکنم بفرمایش علی بن ابیطالب که میگوید مغلوبیت بحق بهتر از غلبه بناحق است و اگر هم مغلوب شویم مغلوب بحق خواهم بود نه غالب بناحق بنابراین من مبارزه خود را ادامه میدهم از هو و جنجال هم در نیروم و تا آنجائی که ممکن باشد امیدوارم که این مبارزه را ادامه بدهم اطمینان هم دارم که رفقای ما در این مبارزه پیروز خواهند شد (بین استغنیایی- این حق را برای دیگران هم قائل هستید؟) بله اگر آنها هم نظر خصوصی نداشته باشند - تلگرافی از بهجهان بمن رسیده که چون آقای وزیر بهداری این جانشین دارنده عرض میکنم و عین این تلگراف برای وکلای بهجهان هم آمده است یک مرضی هفتاد روز است که در بهجهان شایع شده عده ای از زن و مرد مخصوصاً اطفال مبتلا شده و بستری هستند عده کنیری از این مبتلیان از بین رفته و تلف شده اند این تلگرافی است که میخواستم آقای وزیر بهداری توجه بفرمایند چرا باید ۷۰ روز در یک گوشه ای از کشور عده ای مبتلا بمرضی بشوند و از بین بروند

و هنوز مرکز اقدامی در این خصوص نکرده باشد اینها هستند هیئت های حاکمه این مملکت که آقایان میفرمایند دلبر جانان من برده دل و جان من « آقای وزیر از این کابینه رفته اند در آن کابینه و از آن کابینه آمده اند باین کابینه اگر ایشان مرد عمل بودند و حرف تمویل نمیدادند لاف زدنی از این کابینه هائی که بودند بجای عده های مشمشه که میدادند، بجای حرف هائی که میزدند حق این بود که در یک وزارتخانه عمل میکردند در همان وزارتخانه ای که بودند کار میکردند در صورتیکه آقا بالاسری هم در آن وزارتخانه نداشتند اقلایک وزارتخانه را اصلاح میکردند که نمونه باشد برای همکاران ایشان چون آقای سیهید وزیر جنگ اینجا تشریف ندارند یک کافندی برای بنده رسیده که بنده خیلی متأسف شدم و گمان می کنم برای چند نفر از رفقای بنده هم رسیده باشد یک خیاطی است در پاساژ چلچله بنده و چند نفر دیگر از آقایان کافندی نوشته که سر هنک دکتر لطیفی افسر ارتش به سرفی دوستان خود یک دست لباس بمن سفارش داده است که با نهایت دقت .. (چند نفر از نمایندگان در اینجا نباید گفته شود) بایستی این مسائل در این جا گفته شود این شخص خیاط را کتک زده است ما در ارتش افسران خوب و وظیفه شناس داریم و وظیفه شناس هم داریم (وزیر پست و تلگراف - کافد را لطف کنید) بسیار خوب اگر آقایان دیگر هم دارند بدهند (وزیر پست و تلگراف - یکی کافی است رسیدگی میشود) بهتر است که آقای سیهید دستور بدهند آنها را که باعث بدنامی ارتش میشوند آنها را باشد مجازات بکفر برسانند که احترام ارتش ما را در انتظار کم نکنند و ملت ایران را بارتش خوش بین بکنند این مسائلی که آقایان میفرمایند چرا اینجا زده می شود من نمی دانم پس کجا باید گفته شود امروز در روزنامه آتش خواندم که یک افسری در جاده دربند انومبلیش را طوری نگه میدارد که جاده را سد میکند یکسوی دو نفر از رانندگان اعتراض میکنند آن افسر میآید پائین و آنها را کتک میزند شلاق میزند که در روزنامه آتش نوشته شده است اینها را باید در این جا کتک که اصلاح شود و کسانی که در ارتش باعث بد نامی هستند باید مجازاتشان کرد تا ملت نسبت بارتش خود احترام پیدا کند من نمیدانم اینها را اگر نشود در پشت این تریبون گفت پس در کجا میتوان گفت اینها را من معتقدم که باید گفت که ملت ایران بداند که اگر از طرف ارتش اهانتی به آنها بشود کسانی هستند در مجلس شورای ملی که بلند میشوند و از حق آنها دفاع میکنند و شکایات آنها را قرائت میکنند این مطالب را باید با اطلاع عامه رسانید این جهات و دلایل مخالفت بنده بود با کابینه آقای وزیر و البته بنا بوظیفه ای که دارم یک رأی کبودی که بنام بنده ضمیم است بکابینه ایشان خواهم داد.

و با سکه دانی معرفی نمایند و اگر آقایان عرض کنم کار دزدی بجائی رسیده که هر کس آلوده نشده باشد باید بهمه چیز آن ساخت راه خطا نرفته ام یکوقت است میخواهم ایراد بگیرم البته برای همه میشود همه چیز گت ولی در این مملکت که افراد بی باک مرتکب خطاهای بزرگی میشوند و راست راست را میروند باید از آنها که کف نفس کرده دزدی نکرده و بزنده گی ساده ساخته و از نظر سیاسی با از دایره وطن پرستی بیرون نگذاشته اند و خلاصه خود را بدنام نکرده اند قدر دانی و از آنها نگاهداری نمود.

وقتی سران خیانتکار واقعه آذربایجان بتهران آمدند باری مساعدت واقعی با بجهت دیگر در نظر بود مساعدت های مالی هم یاتها بشود و آنروز جمعی از ترس و وحشت و عده ای روی سیاست آن چهره را تقویت و با مساعدت ها و پرداختها موافقت داشتند من فراموش نمیکم که آقای وزیر ایستادگی کرد و دیناری نداد این رشادت و از خود گذشتگی از خاطر مردم وطن پرست که تجزیه آذربایجان عزیز آتش بجان آنها زده بود نیروید و هرگز آنرا فراموش نمیکند.

این سابقه روشن و سایر جهاتی که عرض میکنم دلیل موافقت من با زمامداری آقای وزیر است - سه نفر بعنوان مخالف با دولت در اینجا صحبت کرده اند.

آقای هائری زاده - آقای ذوالفقاری - آقای مکی (رحیبیان - سه نفر نبودند دوفت بودند) بنده آقای رحیبیان مخلص جنابعالی هستم عقیده خود را عرض میکنم حال من هم خوب نیست تب هم دارم صحبت نفرمائید که رشته از دستم در میزند (رحیبیان رشته از دست شما در برود) آقای ذوالفقاری تذکراتی بعنوان مخالفت مشروط با دولت دادند که ادای آن مورد توجه و عمل بان آرزوی عموم نمایندگان است و موافقین دولت نیز ادای این تذکرات مفید را واجب میدانستند و امیدوارم دولت آنها را بکار بندد.

بنابر این بنام موافق دولت نمیتوان پاسخی بنده کرات مفید و اساسی ایشان داد من برای اینکه باختصار بگویم بنام موافق دولت فقط بقسمتی از ایرادات آقای حائری زاده پاسخ میدهم و بعد بمرض تذکرات خود که اجرای آن را شرط موافقت با دولت قرار داده ام می پردازم و بقول خودشان جواب فرمایشات آقای مکی مخالف دیگر دولت را بموافقتین که بعد از اینجانب نام نویسی کرده اند وامیکندارم.

بزرگترین ایراد آقای حائری زاده بدولت آقای وزیر و شخص ایشان این بود که از رجعت دیکتاتوری اظهار وحشت را کردند و البته آقای مکی هم این اظهار وحشت را کردند و آقای وزیر را عامل یابش آهنگ دیکتاتوری خواندند و بدون آنکه برای وحشت خود در این باره دلیلی ذکر میکنند و مستمعین را بوارد بودن ایراد خویش قانع سازند بلافاصله اظهار داشتند که معال است با وضع فعلی دنیا و تشنجات بیحد که بین ملل حکمفرما است حکومت مطلق العنانی و دیکتاتوری در گوشه ای از دنیا ایجاد نمود چه رسد بکشور ما که مرکز تضاد این سیاستها دولت بوده اند توانسته اند خود را مرد صحیح العمل

است بعد هم فرمودند آن سیوشکست و آن ایمانه ریخت. (آنها می گذر خوب دیکتاتوری می بینند باید این آرزو را بگور بزنند) و باین وسیله بی اساس بودن توهم خود را بیان داشتند.

خوب جناب آقای حائری زاده شما که خوب میدانید بوجود آوردن حکومت دیکتاتوری با وضع فعلی جهان و تضاد سیاستهای متضاد در کشور ما امر معالی است چرا بیجهت اظهار وحشت میفرمائید، مثل کسانی که اخیراً آرزوی کار آمدن رژیم دیکتاتوری اظهار وحشت و هراس میکنند درست مثل آن شخصی است که از بیکاری بیای خود جوال دوز میزد و اوزد فریاد میکشید (حاذقی - بجای دیکتاتور میزد) (خنده نمایندگان)

رئیس - آقای حاذقی رعایت ادب را بفرمائید دهقان - در اینجا بی مناسبت نیست بکسانی که حقیقتاً آرزوی قلمبری زور و وحشت دارند و آزادی و دموکراسی را از روی ایمان عزیز میشانند عرض کنم معمولاً بوجود آورنده حکومت دیکتاتوری هرج و مرج و افشاش و هتاک و فحاشی و توهین های بی جهت و از بین بردن امنیت قضائی و اعمال نفوذهای بیسورد در دستگاههای اداری و انتظامی و تحمیل نظر اقلیت بر اکثریت و مداخله دادن اشخاص بی صلاحیت در امور کشور و رواج بازار تهمت و منفی بافی است. (صحیح است)

هر کس واقعاً با آزادی علاقه دارد باید با این عوامل مبارزه کند والا خواهی نخواهی حمایت کردن از این قبیل مفاسد مردم را ب طرف دیکتاتوری متقابل میسازد. بهر حال آقای حائری زاده اولین ایراد خود نسبت با آقای وزیر را شخصاً نمی فرمودند و در کار آمدن دیکتاتوری را بسوی شکسته و آب ریخته و آرزوی بگور برده تشبیه فرمودند در این صورت جای ایراد در این مورد با آقای وزیر باقی نماند من از آقای حائری زاده که با این استدلال محکم آقای وزیر را از یک تهمت بزرگ مبرا ساختند بوکالت از جناب آقای وزیر از ایشان تشکر میکنم.

آقای حائری زاده صحبت هائی درباره آقای وزیر در مورد خدمت به بیگانگان کردند و در این مورد اهل بیخسرت فقید را نیز از این تهمت بی نصیب نگذاشتند و شخصاً نیز این بیان را با تردید ادا کرده نه مورد خیانت و نه دلیل آنرا اظهار فرمودند.

من میخواهم عرض کنم که من از آنها نیستم که در راه سیاست روش عوام فریبی را پیش گرفته باشم از روزیکه وارد اجتماع شدم و در سیاست مداخله کردم همیشه یک دنده و راست و رک آنچه که عقیده ام بوده است گفته ام اعم از اینکه مورد پسند یک عده ای بوده است یا نبوده است من از شهریور ۱۳۲۰ معتقد بوده و هستم که رضاشاه باین مملکت خدمت کرده است (صحیح است) یکسرمد بسیار وطن پرستی بوده است که اعتلای ایران را خواسته است (صحیح است) بنا بر این بنده اینجا با کمال صراحت عقاید خود را عرض میکنم و امیدوارم از آزادی که بنده بهش معتقد هستم بهره مند بشوم و بتوانم هر ایش خودم را درست عرض بکنم آقای حائری زاده شما که یکی از مردان مشهور این کشور هستید سی و چند سال است در امور سیاسی این کشور وارد بوده و در جامعه جائی برای خود

باز کرده اید و مردم شما را به نیکی یاد میکنند و از اینها بالاتر کار شما و فن شما قضاوت بوده است چرا مطلبی را رسماً در این مقام مقدس و رسمی اظهار میفرمایید و بکسانی علناً تهمت میزنید در حالیکه بر علیه آنها دلیلی موجود ندارد (حائری زاده - من تهمت نزد) و بقول خود میفرمائید اینطور میگویند شاید هم دروغ باشد.

آقای حائری زاده آیا بیان آنچه میگویند و آنچه شایع است در مقام رسمی جایز شمرده میشود حق اینست که افراد را با شایعات و گفته های بدون دلیل متهم بخیانت و سوء استفاده کرد؟

اگر اینطور است آقای حائری زاده شما را هم از این شایعات مستثنی نکرده اند و به شما هم نسبت سوء استفاده از بنگاه صنایع و شرکتهای ارسالی به خراسان در موقع انتخابات میدهند در حالیکه اینهم بطور قطع از نوع همان شایعاتی است که شما در باره آقای وزیر شنیده اید و قابل قبول نیست (اسلامی - توهین نکنید) بنده خود رد کردم این هم از نوع همان شایعات است این ایراد را آقای مکی هم کردند عرض بنده در اینجا با آقای مکی هم هست چون اعتراضی را که بنده با آقای حائری زاده دارم با آقای مکی هم دارم آقای حائری زاده افرادی امثال شما که قولشان در بین مردم مورد اطمینان است و وظیفه بزرگ ملی بهمه دارند نباید با سانی مانند مردمان عامی و پستپار عادی هر حرفی را بدون دلیل و تحقیق قبول کنند و آنرا در چنین معضری ادا نمایند.

ایراد دیگری که آقای حائری زاده با آقای وزیر داشتند همکاری با حکومت آقای قوام السلطنه است اگر صرف همکاری با قوام مورد ایراد باشد این ایراد بشخص آقای حائری زاده هم وارد است زیرا ایشان در تمام مدت شاید از آقای وزیر هم بقوام السلطنه نزدیکتر بودند اعضا اصلی و کمیته مرکزی حزبی بودند که آن حزب حکومت را درست داشت و اعمال و افعالی را انجام میداد که مورد ایراد بود و هست. بنا بر این اگر عضویت در این دستگاه عیب بوده آقای حائری زاده هم دارای این عیب هستند و از ایشان نیز سلب صلاحیت میشود در حالیکه حق این بود از اعمال بد آقای وزیر در این دوره نام ببرند و بآنها ایراد بکنند والا سرف عضویت در آن دستگاه که دلیل همراه بودن با بدیها و جرمهای ارتكابی آن دستگاه نمیشود بخصوص که ما از بعضی از افراد عضو آن دستگاه هم اعمال پسندیده را سراغ داریم و یکی از آنها آقای وزیر یا همین آقای دکتر اقبال هستند. اینها در مواقع بسیار سخت برهن پرستی خود را با شجاعت با ثبات رسانیدند چنانچه حتم دارم آقای حائری زاده با وجود مؤثر بودن در آن دستگاه با اعمال بدی که انجام میشد جدا مغالط بودند امری که آقای حائری زاده را بسیار متأثر کرده بود موضوع مقاومت نظامیها در مقابل مسجد بود که از طرف آقای نفست وزیر و مقام ریاست جواب کافی بان داده شد و امید وارم آقای حائری زاده که مرد استدلالی و منطقی هستند قانع شده باشند ولی دو موضوع را من در اینجا مهتاج بتذکر میدانم:

یکی اینکه ایشان فرمودند ملت ایران قیام کرده بود. اگر آقای حائری زاده میفرمودند عده ای از ملت ایران قیام کرده بود جای ایراد نبود ملت ایران پانصد ششصد نفر نیست ایران بنا بروایات مختلف از ده نایست میلیون جمعیت دارد و در همین تهران نزدیک یک میلیون نفر از مردم این کشور زندگی میکنند و در این صورت چگونه یک عده پانصد نفر را ممکن است نام ملت ایران را اطلاق کرد در حالی که این پانصد نفر خودشان هم ادعای نمایندگی از جانب سایرین را ندارند بر عکس طبق تلگرافات و آثار و شواهد مختلف سایر افراد ملت ایران هم با این افراد تحریک شده هم صدا نبوده بلکه نسبت بزمامداری آقای وزیر هم بموجب تلگرافات متعدد اظهار خشونتی کرده اند و از این مطلب که بگذریم موضوع نظامیها قابل تذکر است.

متأسفانه در این پیش آمد عده زیادی از نظامیها و پاسبانان مجروح و مصدوم شدند شکم یکی پاره شد که در راه فوت کرد و دیگری از چشم نابینا شد این نظامیها و پاسبانان برادران ما هستند اینها جان خود را در راه حفظ امنیت این کشور در کف گرفته و از ایثار آن مضایقه ندارند و در آن روز هم برای حفظ انتظامات و جلوگیری از افشاش و پیش آمد های ناگوار دیگر و مخصوصاً برای حفظ حیثیت نظامی خود ... (وزیر ریخته بودند میخواستند تفنگ آنها را بگیرند و سنک بارانشان بکنند) نظامی را اگر حمله کردند تفنگش را بگیرند باید بزنند چاره ندارد دستور ارتش است و اگر دفاع نکنند خودش محکوم باعدام است اینها در برابر جمعیت آنقدر مقاومت کردند که مجروح و مقتول شدند و بدینوسیله از حدود وقایع تأسف آوثری نظیر وقایع اسف انگیز ۱۷ آذر که صد ها نفر از افراد این ملت مظلوم فدای امپال پست زمامداران وقت شدند جلوگیری نمودند در این صورت جا داشت از این افراد فدا کار قدر دانی شود و من در این جا بیسورد نمیدانم که از افراد نظامی و مأمورین انتظامی ذکر خیر نموده متذکر شوم که خدمت آنان مورد نظر و تقدیر است و بنده از انجام وظیفه نظامیها در اینجا تقدیر میکنم.

آقای حائری زاده در ضمن ایراد بنفست وزیر و ذکر موارد مخالفت با ایشان تذکراتی هم دادند که گرچه مربوط با آقای وزیر نیست ولی بعضی دو قسمت آن چون از حدود حقیقت خارج است محتاج بجواب میباشد چنانچه بعضی از آن تذکرات نیز بنوبه خود صحیح و مورد تأیید نمایندگان است مانند موضوع مالیات املاک مزروعی و فقط کوهها نمایندگان با آن موافقت ندارند و امیدوارم دولت حاضر تذکرات ایشان را مورد توجه قرار بدهد.

اما مطالبی که خلاف آنچه هست از طرف آقای حائری زاده بیان شد.

اول موضوع سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی است.

من از آقای حائری زاده که همیشه دها حمایت از مردم فقیر و بد بخت میزنند تعجب میکنم که چگونه یک سازمانی که صرفاً برای رسیدگی و درمان گذاشتن بجرافات و توجه بالآام این طبقه بوجود آمده حمله میکنند سازمان مذکور پش سال

است وجود آمده و در طرف همین یکجا نوشته است پنجاه درمانگاه مجهز در نقاط دور افتاده کشور بسازد و آنرا با پزشک ماما و دارو و لوازم پرستار آماده بکار سازد و آنرا در دسترس افراد فقیر و یتوا و زارهن بی سر پرست که در تمام صر خود رنگ پزشک و دارو را نمی بینند بگذارد و با این خدمت ذی قیمت بزرگترین قدم اساسی را برای تأمین بهداشت زارهن بردارد تا کسی به نقاط دور افتاده و دهات و مزارع نرفته باشد و وضعیت سخت و اسف آور زارهن را ندیده باشد نمیتواند قدر این خدمت سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی بداند (صحیح است) این سازمان هر سال همین برنامه را عمل میکند و اگر مانع کار او نشود و مانند هر کار خوبی که در این کشور شروع و از روی جهالت از پیشرفت آن جلوگیری گردیده سد راه پیشرفت آن نشود ، بزودی در تمام نقاط کشور این درمانگاهها بسط خواهد یافت و همه مردمی که دسترسی به شهر ندارند از این درمانگاهها برای حفظ بهداشت خود مجاناً استفاده خواهند کرد . (صحیح است)

خدمت بزرگ دیگر سازمان تأسیس آموزشگاه بزرگ پرستاری و تأسیس بیمارستان بکصد تخصصی مجهز برای بستری کردن افرادی است که گرفتار سوانح میشوند . همچنین ایجاد آموزشگاه برای اطفال بی سرپرست و نگاهداری از عده زیادی از مادران و اطفال بی بضاعت و از آن بالاتر جمع آوری عجز و گدایان تهران که اینک نزدیک به هزار نفر از آنها در کانون کار تحت شرایط معین نگاهداری و تحت تعلیم و تربیت قرار گرفته صنایعی بآنها آموخته میشود که برای جامعه افراد مفیدی باشند و در بین همین عده نزدیک بشصده نفر تریاکی و شیرمای وجود داشته که از این اعتبار خانمان برانداز نجات داده شدند . از بین همین سه هزار نفر که طناب انداخت با فلانکس چه کرد با فلانکس چه کرد اینها با آقای هزیر چه مربوط است اینها ابرادانی است که هیچکدامش با آقای هزیر مربوط نیست راجع بماده قانون اساسی صحبت کردند و خودشان در ماده ای که مورد استنادشان بود گفتند که از اجتماعات مثل بنظم باید جلوگیری شود و این اجتماعات هم باید تابع قوانین نظمی باشد اما اگر نظمی قانونی داریم و نظمی قانونی تشخیص میدهد که فلان اجتماع مثل نظم عمومی است باید بگوئیم نظمی هم حق جلوگیری از اجتماعات عمومی را دارد (صحیح است) و بنده اینجا اتخاذ سند میکنم از همان ماده استنادیه آقای مکی یک صحبتی هم اینجا کردند که خیلی اسباب تأسف بنده شد پشتیبانی از عدم انتظام در مجلس آقایان حفظ احترام این امامزاده با خود ماها است (صحیح است) مجلس باید در حالی باشد که هیچ نوع تحریک و تهدیدی نباشد تا نمایندگان بتوانند وظیفه مقدس ملی خودشان را در معیصلی ساکت و آرام انجام بدهند (صحیح است) اگر قرار شد تماشایی در کار مجلس دخالت بکنند و یا هم و یا عدم رعایت مقررات و عدم رعایت انتظامات در کار مجلس و رأی نمایندگان تأثیر کند هیچکس دیگر قادر بانجام وظیفه در این جا نیست (صحیح است) مخصوصاً اینجا بر رئیس دولت گمورد تمایل اکثریت مجلس شورای ملی واقع شده است توهین کردند .

آقایان این دولت قانونی است زیرا اکثریت مجلس شورای ملی که آقای مکی هم حضور هستند بهش رأی تمایل داده است و مطابق نص صریح قانون اساسی امروز آقای هزیر نخست وزیر این مملکت هستند (صحیح است) این نخست وزیر آقایان باید در مقابل مشکلات خارجی و داخلی هر ضائعه بکنند (صحیح است) انعام و وظیفه بکنند اگر بنا شد در مجلس شورای ملی چهار نفر تماشایی بی صلاحیت باشند و بر رئیس دولت بدگفتند دیگر رئیس دولت چطور میتواند در مقابل یکنفر خارجی از منافع مملکت شما دفاع بکند (صحیح است) بنده گمان میکنم که صلاح نیست و کبیل از این جور اشخاص دفاع بکنند باید این قبیل اشخاص که بر رئیس دولت در مجلس شورای ملی اهانت کردند و مرتکب جرم مشهود شدند شدیداً مجازات بشوند اگر مجازات شدند بعد از این ما در یک معیصلی آرام میتوانیم انجام وظیفه کنیم (صحیح است) آقای مکی راجع بیت المال و مطالب دیگری اینجا بیاناتی کردند و راجع بیدر آقای هزیر مطالبی گفتند این هم در مصداق همان شعر است که قبل از عرض کردم یک شخصی آمده است بیدر آقای هزیر خواسته است املاکش را صلح کند این با آقای هزیر چه مربوط است اینهم مخصوصاً وقتی که ایشان رئیس املاک هم نبوده اند (کشاورز صدر - کاری هم نکرده اند) یک مردی آمده گفته من میخواهم مال خودم را بشما ببخشم و پول آنرا خورد خورد بگیرم یا بگیرم واقفاً زشت است گفتن این حرفها بنده در دفاع هم نمیتوانم بگیرم . (سزاوار - پس تمام رسکلاهی مجلس قابل تعقیبانه) اما تذکرانی که بنده دادم و انجام آنرا از دولت آقای هزیر خواستارم موافقت با دولت مشروط بانجام آنها است .

اول موضوع فرهنگیان است - آقای حائری زاده هم در این موضوع تذکر دادند که بجای بود و آن موضوع رسیدگی بوضع طبقه آموزگار و دبیر ، استاد یعنی تربیت کنندگان نسل آینده مردان فردای کشور است این طبقه در بین مستخدمین دولت بدترین و نامساعدترین شرایط را دارا هستند در حالیکه مریبان جامعه باید خاطراری آسوده و زندگی راحت داشته باشند تا با فراغت بیشتری بتوانند وظیفه سنگین و مقدس خود را انجام دهند مخصوصاً آموزگاران که پایه اولیه تربیت اطفال را بنا میکنند در شرایط غیر قابل تحملی انجام وظیفه میکنند و اغلب آنها حقوقی دریافت میدارند که یک حمله عادی و یک پیشخدمت هم حاضر نیست آن مقدار حقوق انجام وظیفه کنند باید برای تأمین معاش این طبقه و تأمین مسکن و حد اقل زندگی آنها فکر و چاره ای اندیشید و الا نباید انتظار داشته باشید که آموزگار با شکم گرسنه و فکر ناراحت اطفال و نوپاگان این کشور را با ایمان درست و متدین تربیت نماید (صحیح است) آقای دکتر اقبال با کاردانی و لیاقت خود مایه امیدواری هستند که بتوانند باین امر بسیار مهم توجه عاجل مبذول دارند (صحیح است) در این راه قطع داشته باشید مجلس شورای ملی با توجه کاملی که بامر تعلیم و تربیت دارد از توجه و مساعدت دریغ نخواهد داشت

فدای که امروز در بین مستخدمین دولت وجود دارد ما را بطرف زوال قطعی سوق میدهد اگر فکر عاجل و فوری برای اصلاح این امر نشود هر گونه اصلاحی در این کشور غیر ممکن است باید دست مستخدمین نادرست و بیکار و هوجبی و اغلالگر را از کار کوتاه کرد و مستخدمین خدمتگذار - صدیق - یا کدامن را مورد تشویق قرار داد معاش آنان را تأمین نمود. باید مقام مستخدم در این کشور تثبیت گردد (صحیح است) تا تثبیت و دسته بندی و پارتی بازی از بین برود و مستخدم باطمینان خاطر بیشتری بدون توهم و ترس وظیفه خود را انجام داده در محیط امن و آرام بدون اینکه ترس داشته باشد که فلانکس در باره اش انجام وظیفه میشود این را از کار برکنار میکنند یا نمیکنند بتوانند معکم و قوس بر جایش بنشینند و انجام وظیفه کنند بزرگترین خدمت دولت تثبیت مقام مستخدمین است و بنده استمهها میکنم دولت در این قسمت توجه عاجل مبذول دارد .

امر مهم و اساسی که لازم است در این قسمت مورد توجه قرار گیرد موضوع بازنشستگی است مستخدم دولت پس از آنکه دوره قانونی خدمت خود را انجام داد و به سنین تقاعد رسید باید دارای حقوق مکفی برای تأمین معاش خود و خانواده اش باشد - توجه باین قسمت ؛ - پاری از فسادها را خود بخود از بین میبرد - آقایان مستخدمین ما از از آتیه شان امید ندارند نسبت بدوره پیری و دوره بدبختی و دوره بازنشستگی خودشان هیچگونه آمیدی ندارند اینجا میباید ده سال ۲۰ سال ۳۰ سال ۳۵ سال حقوقی دریافت میدارند که برای تأمین معاش و زندگی آنها کافی نیست (صحیح است) باید برای مستخدمینی که دوره خدمت خودشان را با یک کدامن و صداقت بیایان میرسانند حقوق کافی داده بشود که بتوانند خود و عائله شان را اداره بکنند اگر این امر درست بشود مطمئن باشید که فساد از بین مستخدمین دولت میرود .

بسته بشود مگر برای اطفال خودشان اطفال ایرانی حق نداشته باشند در این مدارس بروند که تحت تأثیر تربیت غیر ایرانی قرار بگیرند (صحیح است) دوم موضوع بحرین هم تذکر داشته در اینجا داده شد و بقول یکی از نمایندگان از بس گفتند که بحرین ملک طلق ایران است ولی با اقدام اساسی دست نزدند خسته شدیم .

امیدوارم اقدام در این مورد یکی از افتخارات مجلس ۱۵ و دولت حاضر باشد ولی تا حصول این نتیجه باید مرض کشم که حق ایران در استرداد منافی که من غیر حق فعلاً از جزایر بحرین برده میشود برای همیشه محفوظ است (صحیح است) اولین تذکر رسمی که از طرف نمایندگان مجلس شورای ملی تأییدی شود در آینده مورد استناد خواهد بود (صحیح است) البته تذکرات دیگری دارم که برای جلوگیری از اتلاف وقت و برای اینکه حال هم خوب نیست عرض نمیکند و امیدوارم دولت آقای هزیر بتواند موفق بانجام برنامه تقدیمی خود بشود و نام نیک کسب کند بنده تا روزیکه عمل خلافی از این دولت ندیده ام از آن پشتیبانی میکنم و این عمل خودم را بصلاح و خیر مملکت میدانم (حاجت) البته اینجا هم نماینده معترمی مرقوم داشته اند که راجع بوضع اصلاح ایلات عرضی بکنم این يك تذکر بسیار اساسی است که دولت باید توجه عاجلی نسبت بوضع بهداشت و فرهنگ و تأمین وسائل زندگی ایلات بکند برای این که يك خدمت اساسی بمملکت است زیرا يك عده زیادی از افراد این مملکت که ایلات را تشکیل می دهند همه مردمان وطنپرست هستند و همیشه هم امتحانات بسیار خوبی از خود نشان داده اند (صحیح است)

رئیس - پیشنهادی رسیده قرائت میشود (شرح زیر قرائت شد) پیشنهاد میکنم پس از بیانات آقای مکی و پاسخ ایشان مذاکره در برنامه دولت کافی است و به برنامه رأی گرفته شود - حاذقی .

رئیس - پیشنهادی رسیده قرائت میشود (شرح زیر قرائت شد) پیشنهاد میکنم پس از بیانات آقای مکی و پاسخ ایشان مذاکره در برنامه دولت کافی است و به برنامه رأی گرفته شود - حاذقی .

رئیس - پیشنهادی رسیده قرائت میشود (شرح زیر قرائت شد) پیشنهاد میکنم پس از بیانات آقای مکی و پاسخ ایشان مذاکره در برنامه دولت کافی است و به برنامه رأی گرفته شود - حاذقی .

رئیس - پیشنهادی رسیده قرائت میشود (شرح زیر قرائت شد) پیشنهاد میکنم پس از بیانات آقای مکی و پاسخ ایشان مذاکره در برنامه دولت کافی است و به برنامه رأی گرفته شود - حاذقی .

رئیس - پیشنهادی رسیده قرائت میشود (شرح زیر قرائت شد) پیشنهاد میکنم پس از بیانات آقای مکی و پاسخ ایشان مذاکره در برنامه دولت کافی است و به برنامه رأی گرفته شود - حاذقی .

رئیس - پیشنهادی رسیده قرائت میشود (شرح زیر قرائت شد) پیشنهاد میکنم پس از بیانات آقای مکی و پاسخ ایشان مذاکره در برنامه دولت کافی است و به برنامه رأی گرفته شود - حاذقی .

رئیس - پیشنهادی رسیده قرائت میشود (شرح زیر قرائت شد) پیشنهاد میکنم پس از بیانات آقای مکی و پاسخ ایشان مذاکره در برنامه دولت کافی است و به برنامه رأی گرفته شود - حاذقی .

رئیس - پیشنهادی رسیده قرائت میشود (شرح زیر قرائت شد) پیشنهاد میکنم پس از بیانات آقای مکی و پاسخ ایشان مذاکره در برنامه دولت کافی است و به برنامه رأی گرفته شود - حاذقی .

رئیس - پیشنهادی رسیده قرائت میشود (شرح زیر قرائت شد) پیشنهاد میکنم پس از بیانات آقای مکی و پاسخ ایشان مذاکره در برنامه دولت کافی است و به برنامه رأی گرفته شود - حاذقی .

رئیس - پیشنهادی رسیده قرائت میشود (شرح زیر قرائت شد) پیشنهاد میکنم پس از بیانات آقای مکی و پاسخ ایشان مذاکره در برنامه دولت کافی است و به برنامه رأی گرفته شود - حاذقی .

رئیس - پیشنهادی رسیده قرائت میشود (شرح زیر قرائت شد) پیشنهاد میکنم پس از بیانات آقای مکی و پاسخ ایشان مذاکره در برنامه دولت کافی است و به برنامه رأی گرفته شود - حاذقی .

تذکره دادند چنانکه شنیده شد من می بینم صکه
 العبدی نقت جنوب و بحرین هم عالم گیر شده است
 و این همانست که من میگویم اما مطالب دیگری بنده
 دارم که باید اینها را عرض کنم و همه هم مبادست
 و شنیدنی است الان چون صحبت در کفایت مذاکرات
 است هنوز کلمه هم گفته نشده من آهسته صدای
 زنگ آقای رئیس را دارم میشنوم که بنظر مشغول
 امتحان زنگ هستند که از موضوع خارج نشوم (خنده)
 نمایندگان آقایان نمایندگان من مجبورم از اکثریت
 تمنی بکنم عجله نکنند و اگر عجله کردند این
 فکر پیش میآید که از بیان حقایق اقلیت اکثریت
 نگرانی دارد من امروز که میآمدم در خارج مجلس
 بن چیزهایی مردم گفتند که من میل ندارم تکرار
 بکنم درین موقع که پیش آمد بدی کرده بهتر
 است که گفته نشود که در اثر فشار یک حکومتی
 آمد و در اثر فشار خودش را تعمیم کرد بجلس
 و رای گرفت (بعضی از نمایندگان - همچو چیزی
 نیست) اجازه بفرمائید بنده هم همین را میگویم
 (بعضی اسفندیاری - اینطور نیست آقا) اجازه بفرمائید
 آقای یمن بنده هم میگویم همین نظر شما را
 تأمین کنم بنده باید عرضم را بکنم اگر نگذاشتید
 همین جا وقتی رای اعتماد دادید بلافاصله من دولت
 را استیضاح میکنم اما بیائید و اینکار را نکنید این
 بیانی که شد که ما اینجا رای داده ایم و همه هم آزاد
 هستیم صدق نمیکند البته همه آزادی رای دارند
 ولی در این مجلس دیدیم در مدت ۲۰ سال با اتفاق
 همه بدولتها رای داده اند و بعد هم گفتند آزاد
 بودیم ...

رئیس - آقای اسکندری خارج از موضوع
 صحبت نکنید.

اسکندری - ... بله در همین مجلس یک
 رای هائی داده شده است که آن رای ها را همین
 آقایان نمایندگان میگفتند در دوران خود سری
 بوده است بهتر این است که ما باین اکتفا نکنیم
 و بگذاریم یک دولتی که آمده است و میخواهد کار
 بکند دست و پایش بسازد باشد و پیش مردم
 هم سر بلند باشد و بگوید تمام مخالفین آمدند
 حرفهایشان را زدند و جوابم گرفتند صلاح جناب
 آقای نخست وزیر این است که خود ایشان بگویند
 هر کس هر مطلبی را هر تذکری را هر حرفی دارد
 بیاید بزند (یکی از نمایندگان - بایشان
 مربوط نیست) کمال ارتباط را بایشان دازد و
 دولت می تواند خودش بگوید که من طرفدار ادامه
 مذاکره هستم.

یمن اسفندیاری - اینطور ده روز طول
 می کشد

رئیس - آقای اسکندری صحبت های شما
 بیش از مخالفت با کفایت مذاکرات شد.

اسکندری - آقای یمن اسفندیاری خوب
 است شما هم موافقت بفرمائید و اگر تازه اشکالی
 بهم زد باز چند نفر را دعوت میکنید که مهمانی برده
 حل میشود (بعضی اسفندیاری - شما که مهمانی
 نمی دهید نمک شارا که نیغوریم پس شما نمک مارا
 بفرورید) بهر حال بن اجازه توضیح بیشتری که
 داده نمی شود دیگر خود دانید.

رئیس - رای گرفته میشود ...

رحیمیان - هیچ سانه ندارد نگذارند مخالف
 صحبت کند بنده مخالف هستم باید حرفهایم را بزنم
 ده دقیقه اجازه بدهید بنده صحبت هایم را بکنم
بعضی از نمایندگان - رای ، رای
رئیس - آقای حاذقی پس می گیرید
 پیشنهادتانرا ؟

حاذقی - خیر پس نمیگیرم . پیشنهادم بقوت
 خودش باقی است بعد از نطق آقای رحیمیان دو
 مرتبه پیشنهاد کفایت مذاکرات میکنم .

رئیس - آقای رحیمیان بفرمائید .

رحیمیان - اولاً مخالفت بنده با مخالفت اصولی است
 و اگر چنانچه یک قدری تند باشد این البته جزه روش ما
 است و من آقای هژیر نظر شخصی با حضرتعالی ندارم
 و اتفاقاً خودتان میدانید روی چه نظر بنده با دولت
 شما مخالف هستم و در دودمه بنده خدمتتان رسیده
 و میتوانم اتراف بکنم که شاید در این موقع نباید مخالفت
 میکردم و آن یکی دو منزل شما بود من از آن فرزند منزل شما دیدم
 که یک شخص دمکراتی هست و دیدم که اینک با آنها می
 زدن در اجاب بنده ای گفته شده است شما بهائی هستید چون
 خودتان در آنجا صحبتها می کردید و من در آنجا حضور
 داشتم و کسی که از طرف بهائی ها آنجا بود اظهاراتی می
 میکرد تقاضائی میکرد و شما رد کردید و خود من
 هم کمک کردم و من میگویم کسانی که شما را
 باین اسم خوانده اند رفع این سوء تفاهم را بکنم
 (احسن) من یک آدم بی وجدانی نیستم و مخالفت
 من چون اصولی است البته از آقایان استعفا میکنم
 که یک قدری برایش من توجه بکنند و ما بین
 هریض من صحبت نکنند که موجب صعبانیت بنده
 بشود من بطور هریض صحبت میکنم مخالفت من
 آقای هژیر دودلیل دارد دلیل اول آنجه در ظاهر
 بنظر میرسد و ممکن است توضیحات شما رفع سوء
 تفاهم را از بنده بکند و آن این است که من این
 است که حضرتعالی خودتان را بطرفدار یا طرفداران
 حکومت فردی و حکومت مطلقه فروخته اید و احتمال
 میرود نتیجه اینکه از حکومت شما میخواهند بگیرند
 پیشرفت حکومت فردی و تسلط ملیتاریزم در تمام شتون
 کشور ایران است البته بنده تسلط عرض میکنم نه
 قدرت و البته امروزه ما تمام ملت و تمام نمایندگان
 ملت آرزو دارند که ارتش ما قدرت داشته باشد
 قوی باشد ولی تسلط امور کشور نداشته باشد یعنی وکیل
 انتخاب نکنند باستاندار دستور ندهد . یعنی ما میخواهیم
 تسلط در شتون کشور داشته باشد البته ارتش باید
 قوی باشد و البته مطابق احتیاجات خودمان ، مطابق
 استعداد خودمان هوزده هواپیما هزار هواپیما داشته
 باشیم عرض صد هزار یکسیلین قشون داشته باشیم
 هر قدر قدرت داشته باشیم باعث افتخار ما است ولی ما از
 تسلط داریم (در این موقع جلسه از اکثریت افتاد)

بعضی از نمایندگان - جلسه را ختم کنید
رحیمیان - ۰۰۰ آقای رئیس اگر اجازه
 بفرمائید جلسه ختم شود بنده بقیه هریض را بعداً
 میکنم (در این موقع همه برای مذاکره کافی شد)
رئیس - بفرمائید همه کافی است

رحیمیان - ... اگر این نظر بنده یعنی این
 ترس و بیسی که بنده و مخالفین دولت را فرا گرفته
 صحیح باشد البته نظر حکومت فردی این است که
 این مختصر آزادی که هیچ شایستی با آزادی مردم در

دنیا ندارد گرفته شود و با خیال راحت آنچه که
 منافع شخصی آنها اجازه داد بدون چون و چرا انجام
 دهند و الا هیچ دلیل و مجوزی وجود نداشت صکه
 جنابالی را سر نیزه باشند عمل غیر منتظرهای که
 تاکنون سابقه نداشته است حمایت بکنند و باین
 مجلس معرفی بکنند آقای هژیر من منظوری از
 مخالفت با شما ندارم مدتی وزیر بودید و میدانید
 که من روی نظر شخصی هیچ تقاضائی از جنابالی
 نکرده ام ، از دیگران هم همینطور فقط مخالفت
 و نگرانی بنده و مخالفین جدی شما در این قسمت
 است برای این که مردم زننده این کشور بهیچ نحو
 از آزادی و حقوق حقه بشری خودشان نمیتوانند
 صرف نظر کنند و هیچ قدرتی هم نمیتواند که سلب
 آزادی از مردم بکند با توجه باوضاع امروزه دنیا
 هر قدر بر مردم فشار وارد بیاورند بالاخره عکس
 العملی خواهد داشت شما که امروز زمام این کشور
 را در دست میگیرید اگر میخواهید یعنی موافق
 باشید با حق کینه و انتقامی که بعضیها میخواهند از
 مخالفین دیکتاتوری بگیرند البته برای
 کشور هم مصلحت نیست و برای شخص شما هم
 البته هفت خوش نخواهد داشت و من بیش از این
 اندازه در این باب توضیح نمیدم جنابالی مسبوق
 هستید قبل از حکومت شما آقای هژیر از شمال
 ایران هزاران نفر در حال حبس هستند یا تبعید
 شدند صد ها نفر بجرم اتهامات معلوم الحال امروز
 یا از کار بیکار شده اند و در بعضی از قسمت های
 شمال حکومت نظامی فلان برقرار است و در هیچیک
 از نقاط شمالی مردم نمیتوانند نفس بکشند و تابخواهند
 از حق مشروع خودشان دفاع بکنند فوراً بعنوان
 غیر معلوم خفه شان میکنند حالا شما میخواهید این
 قسمت را حل بکنید یا شدید تر بکنید بسته بحسن
 نیت شما است ولی بعقیده من مصلحت کشور در این
 است که با توجه باوضاع دنیای امروز رفع این
 فشار و رفع این اجحافات را بنمائید زیرا یک اقدام
 مفید و مؤثری برای حکومت شما خواهد بود
 (صحیح است) اساساً بعضی از مردم این کشور
 پس از شهریور با انکاه این که کشورمان فلان
 دمکراسی است با انکاه بعقود حق بشری ، با انکاه
 تقویت منشور ملل متفق با انکاه بفرمایشات
 اعلیحضرت شاه در باب عدالت اجتماعی و رفاهیت طبقه
 سوم در صدد گرفتن حقوق خودشان برآمده اند کارگر
 ادعا کرد که مزد من کم است ، زارع اظهار کرد
 بیش از این من برده و بنده نیستم روشنفکر ادعا
 کرد که من حقوق خودم را خواهم حالا بنده نمایانم
 این افراد که این اظهارات را کردند زنده هستند یا
 تبعیدند یا هستند یا نیستند قدر مسلم این است که
 نتیجه ای تاکنون برای مردم گرفته نشده است بلکه
 برعکس بدتر و از تمام حقوق اجتماعی هم محرومند
 من در این خصوص بیشتر از این جناب آقای هژیر
 توضیح نمیدم بقیه را سایر آقایان نمایندگان میفرمایند
 حالا در این خصوص چه فکری میخواهید بکنید ،
 چه اقدامی میخواهید بکنید مردم را در وضع خودشان
 آزاد بگذارید ، شدید ترش بکنید خودتان میدانید
 البته بنده خیال میکنم این فکر در شما باشد که مقام
 و همه چیز هست ولی شرافت و حیثیت همیشه برای شخص
 نخواهد بود قسمت دیگری که بنده میخواهم استم از جنابالی

سوال بکنم این است جنابالی مدت ۱۶ یا ۱۷ ماه
 در دولت آقای قوام السلطنه شرکت داشتید . این
 هم قانون اساسی . اصل ۶۱ وزراء علاوه بر اینکه
 به تنهایی مشغول مشاغل منحصه وزارت خود هستند
 بهیئت اتفاق نیز در کلیات امور در مقابل مجلسین
 مشغول و ضامن اعمال یکدیگرند البته جنابالی در
 تمام مدت ۱۷ ماه که در کابینه آقای قوام السلطنه شرکت
 داشتید و همکار بودید فقط در دو سه روز آخر آقای
 قوام السلطنه اعلامیه ای صادر کردند آن اعلامیه معروف
 و بر اثر آن اعلامیه شما در وزارت جنگ اجتماع
 کردید یا شما را واداران کردند که در آنجا استعفا
 دادید و در آنجا اینطور اظهار شد که جنابالی برای
 خاطر این اعلامیه حس مسئولیت مشترک برای خودتان
 کرده اید البته این صحیح است بنده جنابالی و سایر آقایانی
 که در آنجا استعفا داده اند حق می دهیم ولی بنده میخواهم از
 حضرتعالی سؤال بکنم که در این مدت ۱۷ ماه با شما
 هیچگونه مسؤلیت مشترک حس نکردید یعنی تمام کارهای
 آقای قوام السلطنه صحیح بود در تمام مدت همکاری
 شما از کارهای خلاف از تصویب نامه ها وضعیت
 مالیات گشاد بازها جوازها توقیف ها خرابی چیزهای
 دیگر در هیچکدام احساس مسؤلیت نکردید
 فقط احساس مسؤلیت در آن اعلامیه بود فقط
 آن اعلامیه باعث خانه نشینی قوام السلطنه و
 باعث نخست وزیری جنابالی شد پس باید در اینجا
 صراحتاً گفت که تمام مخالفتهای خارج و مخالفتهای
 نمایندگان محترم مجلس که صورت آن نطق ها
 تمام حاضر و موجود است و الان هست همه این ها
 نظر خصوصی بود همیشه در یک دوازدهم تصویب
 میشد که ما کار بکار بود چه سابق نداریم یعنی راجع
 بتصویب نامه های سابق کاری نداریم مشغول گذشته
 نیست گذشته از اینها اعلام جرم شده است و اگر
 آن اعلام جرم در واقع وارد نبود تیرتیه شد شمام
 خدمتگذار هستید قوام السلطنه هم خدمتگذار است
 ولی اگر چنانچه آن جرم تأیید شد جنابالی هم
 شرکت دارید پس بنا بر این تا تکلیف اعلام جرمها
 بعقیده بنده روشن نشود شما نمیتوانید نخست وزیر
 باشید عده ای در اینجا بقوام السلطنه رای ندادند
 چرا رای ندادند برای اینکه ایراد داشتند در آن
 ایراد جنابالی هم شریک بودید ولی باید بسلت
 ایران گفت همه شما نظر خصوصی بوده است آن اعلامیه
 فقط باعث خانه نشینی قوام السلطنه و نخست وزیری
 جنابالی شدن نمیگویی هر جور نظر من هست
 بکنید ولی درس ریا و تزویر و نظر شخصی ب مردم
 یاد ندهید جناب آقای هژیر بیش از این مردم را
 بصدافت و حقیقت وادار کنید من امروز وقتی نماینده
 مجلس باشم و بیستم نسبت بکارهایی که در کابینه
 قوام السلطنه انجام شده اعتراض بکنند و جنابالی
 هم شرکت داشته باشید و بعد شما را بیاورند و در
 اینجا نخست وزیر بکنند وقتی مسؤلیت در یک اعلامیه
 حس کردید ولی در تمام کارهای دیگر حس نکردید
 من از این قضیه حق دارم که جنابالی اعتراض بکنم
 و توضیحات کافی در اینجا بدهم یا باید شما اتراف
 بکنید که در تمام مدت ۱۷ ماه تمام کارهای قوام -
 السلطنه صحیح بوده است یا باید اتراف بکنید که
 صحیح بوده است و فقط آن اعلامیه غلط بوده است
 خیال نکنید من با قوام السلطنه موافقم . من با

قوام السلطنه مخالف بودم یا جنابالی هم که در آن
 کابینه شرکت داشتید مخالف بودم و همانطوریکه
 باو رای ندادم بنجانبالی هم رای نخواهم داد اگر
 نمایندگان محترمی که با قوام السلطنه مخالفت کردند
 بنجانبالی رای میدهند بنده کاری ندارم ولی ملت
 ایران اینها را روزی قضاوت خواهد کرد ملت ایران
 این اندازه بی فهم و شعور نیست در تمام آنها
 قضاوت خودش را خواهد کرد . مطلب دیگری که
 نوشته شده راجع سیاست خارجی است من در سیاست
 خارجی وارد نمی شوم و حرفی در این باب نیز
 برای اینکه در برنامه بطور ایهام آمیز نوشته شده
 و آنهم البته حق با شما است زیرا سیاست خارجی
 ایران در پرده استتار است و هر چه دلشان
 میخواهد میکنند من در تمام این مدت هنوز نفهمیدم
 که سیاست خارجی حقیقی این کشور روی چه اصولی
 است بنا بر این برای اینکه هریض من ممکن است باعث اتلاف
 وقت بشود و آقایان خسته بشوند از این قسمت صرف
 نظر میکنم ولی فقط راجع بر روابط ما با اتحاد جماهیر
 شوروی عرض میکنم که گویند زمان آقای حکیم -
 الملک هم میخواهند آن روابط تجدید بکنند و
 نمایانم که بکجا رسید و من اینقدر میتوانم بعضی
 هالی عرض کنم که روابط تجاری ما با اتحاد جماهیر شوروی
 نه تنها برای ایران مفید است مخصوصاً برای اهالی
 شمال این کار مفید تر است (محمد علی مسعودی -
 برای طرفین مفید است) و اگر در این خصوص
 مقتضیات سیاست شما یعنی دولت شما اجازه داد که
 اقدام مفیدی بکنید بعقیده بنده بفتح کشور است در
 موضوع سیاست داخلی در برنامه شما نوشته شده است
 تثبیت قدرت دولت و تصمیم بجلو گیری از آنچه مغل
 آسایش عامه است ، بنده هنوز نمایانم آیا دولت
 درجائی قدرت ندارد ، در کجای ایران دولت قدرت
 ندارد ، این را استعفا میکنم اینجا بفرمائید که
 بیستم دولت اقتدارش در کجا نیست و معنای تثبیت
 اقتدار دولت چیست ؟ دولت در همه جا قدرت دارد
 و هر کار که دلش می خواهد میکند ، یعنی ما مورین
 هر چه میخواهند میکنند و هیچکسی هم از آن ها
 جلو گیری نمیکند و این یک قدری ایهام آمیز است و از
 جنابالی می خواهم که اینرا توضیح بدهید صکه
 منظورتان از تثبیت قدرت دولت و تصمیم بجلو گیری
 از آنچه مغل آسایش عامه است چیست ؟ این هم یک
 قدری برای بنده مغل تعجب است برای این صکه
 البته طبق قانون کسی مغل آسایش عامه نباید باشد ،
 دزد وقتی که رفت خانه کسی مغل آسایش عامه است
 مال مردم را خوردن ، دزدی کردن ، قند و شکر
 و ارز گرفتن اینها مغل آسایش جامعه است ولی
 امروز جناب آقای هژیر هر کسی که گفت حق مرا
 بدهید هر کس گفت دفع ظلم بکنید او را بیهانه
 مغل آسایش عمومی و بهیئت حرفها محکومش می
 کنند و میریزند زندان ، آیا ده نفر پیدا شدند بقول
 آقای دهقان نمیگویم ۶۰۰ نفر ، ده نفر اگر پیدا
 شدند صکه گفتند ما با دولت آقای هژیر مخالفیم
 بعنوان مغل آسایش عمومی نباید آنها را خفه کنند
 بنده که بکنفر وکیل مخالف شما هستم فردا میآیم
 در وزارتخانه و آنجا ما مورین دولت شما تمام اظهارات
 حقه بنده را و منافع حوزه انتخابیه بنده را زیر میگذرانند
 میگویند مغل آسایش است پس بنا بر این با حرف
 امروز این برای مردم ضرر دارد ولی اگر شما از

میخواستم راجع بشکایت مردم از دوائر دولتی که بر طبق ماده ۶ در اسرع اوقات جواب قطعی و نهائی داده شود عرض کنم - خدای من شاهد است آقای هزیر، هر کس از یک نفر زندانم، از یک نفر مأمور از یک نفر قادر، اگر شکایت بکنند گذشته از اینکه بشکایت رسیدگی نمیشود خانواده اش از بین میرود، خودش هم از بین میرود و این راهم شما نمی توانید جلو گیری بکنید - در اینجا اگر زیاد توضیح بدهم مفصل خواهد شد میگذارم برای بعد - راجع به ماده ۱۲ هم در خصوص بخرین و نفت جنوب بنده خودم از کسانی بودم که در دوره ۱۴ اولین بیری را بلند کردم و با کمال شجاعت بنده بودم و میتوانم ادعا کنم که در این قسمت بنده خودم را فدای ایران کردم ولی خوب مشکلات آنرا هم نمی گویم که چه سرم آمده است و صرف نظر میکنم - چون نمایندگان محترم مخصوصاً آقای متمدن دعاوندی توضیحات کافی در اینجا داده اند اگر جناب عالی اینکار را بکنید و یک اقدام مفیدی برفع کشور بکنید اول کسی که دست شمارا میبوسد بنده خواهم بود (احسن است احسن است) من مطالب زیادی داشتم ولی صرف نظر کردم، حرف خودم را ناتمام گذاشتم چون نمایندگان بن احترام قائل شدند منم صرف نظر کردم.

رئیس - آقای دکتر مجتهدی.

حاذقی - آقا من موافق نیستم با دادنامه صحبت رئیس - ساکت باشید.

دکتر مجتهدی - عرض کنم چون آقایان خیلی عجله دارند اگر من بخوام طبق ماده یادداشتها صحبت بکنم چندین روز طول دارد که این یادداشتها را بنده بخوانم بمقیده خودم برنامه یک قسمتهای تاریکی دارد که در این موقع بهترین فرصت است اگر آقایان متنی بر من بگذارند تا من بتوانم صحبت های خودم را بکنم اینجناب چنانکه آقایان مستحضرنه عضو فرا کسیون اتحاد ملی هستم و پس از سقوط دولت جناب آقای حکیمی بجناب آقای ساعد مراغه که خدمات ایشان بایران و مراتب وطن پرستی شان فراموش شدنی نیست ابراز تمایل کردم ولی اکثریت نصیب جناب آقای هزیر که فعلاً کابینه خود را معرفی کرده اند اینجناب نظر بسوابق آقای هزیر و خدماتیکه مخصوصاً در ایام بحران آذربایجان با آذربایجان کرده اند و با توجه بوزارتی که انتخاب نموده اند و با توجه ببرنامجی که تقدیم کرده اند معنی برای مخالفت با کابینه ایشان نمی بینم.

احترام زاید الوصف من بجناب آقای ساعد و آرزوی قلبی من باینکه ایشان بار دیگر در رأس دولتی قرار بگیرند مانع از این نیست که فعلاً ما با کابینه آقای هزیر که تشکیل یافته و با برنامه ایشان که وعده اقدامات اصلاحی را میدهند موافقت نمایم (صحیح است)

اینجناب اصولاً در اثر تجربه کمی که دارم معتقد شده ام گویانکه کابینه های ایران روی هم رفته ایده آل سکه آرزوی هر ایرانی و وطن پرست و روشنفکر است نیستند ولی بیشتر بدی اوضاع معمول

بدی تشکیلات، طرز فکر جامعه، مخصوصاً عدم ثبات دولتهاست و وظیفه هر فردی بضر این است که حتی الامکان باین آفت که متأسفانه رایج شده است و مجالی بکابینه ها نبیند تا اصلاحاتی را شروع کنند و انجام برسانند مبارزه کند.

بدیهتی دیگر اینکه در فاصله سقوط با کابینه و تشکیل کابینه دیگر فترت نسبت طولانی پیش بیاید و دستگاه فلج دولت فلجتر میشود.

این بود همل و موافقت اینجناب باین دولت حال قدری در برنامه صحبت خواهم کرد و نکاتی چند را متذکر میشوم:

چنانکه آقایان مسبقاً هیچ دولتی با برنامه بد مجلس نبوده است و هیچ رئیس دولتی در برنامه خود نمی نویسد که دولت من رشوه را رایج خواهد کرد یا موجبات بطول جریان امور را فراهم خواهد ساخت این است که اینجناب در جزئیات وارد نخواهم شد فقط بدو ماده برنامه اشاره خواهم کرد کابینه جناب آقای هزیر وعده میدهد گذشته ای طرح خواهد کرد تا قیمت ها تنزل نماید و همامه مردم که فعلاً از بسیاری از نعمات محروم هستند بتوانند از اجناس ضروری استفاده نمایند این فکر کاملاً خوب است و آرزوی همه مردم جز این نیست و این مسئله مهمترین مسائل روز بلکه مسئله حیات و مملات است.

من اینجا جساراً عرض میکنم که علت گرانی هزینه زندگی همان نقشها است که دولتها کشیده اند عرض اینکه باری از دوش مردم برداشته شود اسباب اشکالات جدید شده اند.

تنزل دادن هزینه زندگی نقشه نمیخواهد اگر از من بخواهید عرض میکنم که این نقشه ها را که تا حال کشیده اند کنار گذاشته کمی حسن نیت بخرج دهید هزینه زندگی بفرود خود تنزل خواهد کرد.

علت گرانی هزینه زندگی مالیاتهای سنگینی است که با اجناس مورد لزوم همه بسته شده است انحصار است که دولت قبلاً بظواهر پائین آوردن هزینه زندگی مقرر داشته، امتیازاتی است که بعضی شرکت ها داده شده است، نقشه ها و مقررات بریج اداری است که در دست مأمورین نالایق و گاهی غیر صالح اسباب ترقی اجناس شده است بنده برای اثبات عرایض خود مثالهایی ذکر خواهم کرد و بعداً توجه بوزارتی که انتخاب نموده اند جلب میکنم.

مثلاً مسئله ارز امروز از مسائل خیلی مهم است که مورد نظر دولت و ملت و مجلس است هم چنین مسئله ارز یکی از همل مهم گرانی هزینه زندگی است. ما سالهاست چندین میلیون لیره مستقیم یا غیر مستقیم از شرکت نفت میگیریم و مصرف می کنیم، درست توجه فرمائید همین طرز مصرف است که اسباب این شده که یک صده معدود میلیونها تروت جمع کنند و وعده دیگر در آتش فترت بوزند، آقایان این لیره ها متعلق بطبقه بخصوص نیست بلکه متعلق بفرد فرد ایرانی است و در فروش آنها باید دقت کامل شود. همه میدانیم که بازار سیاه با اصطلاح جدید بازار آزاد قیمت لیره با قیمت دولتی بیشتر از ده تومان تفاوت دارد بنابراین وقتی که دولت یک نفر

صد لیره بفروشد مثل این است که بآن شخص هزار تومان میدهد آنوقت باین اسراف سر گرانی زندگی معلوم میشود این رویه باید موقوف شود دولت باید فقط برای سیاه چهار قلم اجناس ضروری مثل شکر چای قهوه کلمیون ارز بترخ دولتی بفروشد و مراقبت کند که لیره سبزه تومانی صرف آوردن جورا بنایولن نشود و آن چهار قلم جنس بطور وفور بدون حد بدون کنتین ژان که خود اسباب گرانی است وارد مملکت شود اصلاً سهمیه بازی در این کشور جز خسران نتیجه نداده است دولت باین دستگاههای فاسدش تا حال نتوانسته است سهمیه مارا کنترل کند دولت که خود تاجر خوبی نیست حق ندارد برای تاجر ادعای قیمومیت بکند. بگذارید چند تاجر پیش از احتیاج کشور قند و چای وارد نماید و ورشکست شود تا مردم هادی بتوانند قند و چای را بقیمت مناسب بخرند.

آقای نخست وزیر عرض نقشه امتیازات مضراً که ناندانی یک صده متعقد شده اند لگو کنید، زندگی خود بخود پائین می آید. در تبریز شرکت برق بکسی برق نمیدهد از طرف دیگر بکسی اجازه نمی دهند که خودش ماشین برق دایر کند نتیجه اینست که قیمت برق بالا رفته است. شرکت تلفن طبق امتیاز نامه که در دست دارد تا سیس تلفن را در تمام ایران بفرد انحصار کرده است (بهادری - تلفن در انحصار آقای مین است) و موافق است که آخرین سیستم تلفن در تمام نقاط دایر کنند بنظر عموم آقایان نمایندگان این شرکت چون بخواهد امتیازنامه عمل نکرده است امتیازش خود بخود ملغی است (صحیح است) علاوه بر امتیاز یک کلاه برداری عجیبی هم کرده است ده دوازده میلیون تومان پول مردم را دو دست گرفته و وعده سرخرمن داده است (مین اسفندیاری - اینطور نیست آقا) چرا آقا ۱۲ و ۱۰ سال است که پول مردم دست این شرکت است، دولت باید فوراً امتیازنامه را لغو نماید (صحیح است) اما متأسفانه باید باین حقیقت اعتراف کرد که فریاد مردم بیچاره از دست شرکت تلفن بجائی نخواهد رسید (مین اسفندیاری - آقا وارد نیستید تشریف بیاورید تا اطلاع پیدا کنید) زیرا خود دولت از اولیای این شرکت خونین جگر است و شجاعت ندارد و یک ورق پاره که امتیازنامه اسم دارد پاره کند (متمدن دعاوندی - اگر شجاعت دارید امتیاز نامه نفت را پاره کنید) بگذارید خود مردم برای خود تلفن دایر کنند اگر نمی توانند افلا کاری کنید که این شرکت شرش را از سر ما تبریز بپارید دارد آقای نخست وزیر برای پائین آوردن هزینه زندگی زیاد نقشه لازم نیست فقط در بیت المال ملت صرفه جوئی بکنید این منظور حاصل خواهد شد از سوم شهریور باینطرف میگویند تعداد کارمندان زیاد است هر سال یک فوج عظیم باین سیاه بیکران اضافه شده است من با اخراج کارمندان مخالفم اما منتهی استخدام جدید که مانع ندارد برای مدت محدودی هم شده باب استخدام را بر روی جوانان ببندید آنان را بکارهای آزاد تشویق کنید جوانی که مزه کار آزاد را چشید باز دیگر سراغ استخدام دولتی نخواهد آمد باینکه این منظور حاصل شود برای مردم کار ایجاد کنید اشتباه نشود نمیگویم کارخانه وارد کنید و آن را مثل کارخانه های موجود اداره نمایند منظور اینست

موانع کار آزاد را از میان بردارید امنیت فضای ایجاد کنید، اصول تبعیض را که در کسب و کار و ادارات وجود دارد بر طرف نمائید بنام مقررات و نقشه های سابق خط بکشید، اصول رقابت آزاد را بجای اصول فعلی بر قرار سازید خواهید دید در ظرف یکسال معجزه ها خواهد شد. اساساً همه مردم لوز میدهند رسماً ولایات از ارز محروم هستند از این خولن بیضا فقط چند نفر انگشت شمار استفاده مینمایند در اینصورت بیک نفر جوان نمیتوان گفت برو تجارت کن این جوان نمیتواند با آنها بیکه ارز کشور را بفرد انحصار کرده رقابت کند. جناب آقای نخست وزیر برای پائین آوردن هزینه زندگی در بند فقط مقام خود نباشید برای ارضاء متعقدین از بیت المال مردم که در حقیقت بمنزله آب حمام و زراعه شده است نگذارید سوء استفاده شود. یکی را مقام شامخ با حقوق گزاف بدون فعالیت و دیگری ریاست شرکت و مؤسسات دولتی بالاخره عده ای را جواز سکافه و غیره بخشید بفرود خود وضع بودجه درست میشود و وزارت دارائی میتواند میلی از قروض خود ریایانک ملی تادیه نماید باری وقتی گفتگو از زیادی کارمندان می شود دولتها صورتیکه لازم است از آنها که کار نکرده حقوق گزاف بعنوان باج سبیل از دولتها بگیرند (حاذقی در برنامه هست آقای دکتر) شروع نمایند کارمندان را میباشم از پیشخدمت تا مدیر کل غیر از کار اداری تجارتخانه در بازار دایر کرده است و فقط اول ماه لیست را امضاء کرده و حقوق میگیرد یکی از عوامل مهمی که مردم را با استخدام دولت تعریض میکند اینست که کار نکرده حقوق میگیرد بعضی ها در خارج حتی در خود مجلس بعضی از آقایان نمایندگان فرمودند که این صحبت ها منفی بانی است در دروا میگویند و اونیکه بگویند این ایراد بنظر من وارد نیست زیرا بدبختیهای این کشور بیشتر بواسطه وجود مقررات غلط است کسی که میگوید اصول انحصار در امر تجارت ایران غلط است منفی باف نیست من میگویم این اصل را بردارید آیا این راه حل نیست وقتیکه ما نمایندگان آذربایجان داد میزنیم که اصول مراکز شدید فعلی غلط است تمام ایران را بظواهر تهران ویران نکنید و یا انجمنهای اهلالتی و ولایتی همانطور که در قانون اساسی پیش بینی شده است دایر گردد کجای این امر منفی بافی است من تعجب میکنم از آقایان نمایندگان سایر ایالات که در این قسمت آنطور که لازم است با ما مصداق نمیشوند من بلك ندارم از اینکه از پشت این تریبون اعلام کنم که آذربایجان خواهان اصلاحات فوری است و همه مردم این ایالت از گذشته هادرس هیرت گرفته اند و میخواهند دوباره امور معنی ذی مدخل شوند و انجمن ایالتی را جدا خواستارند جای خوشوقتی است که آقای هزیر یکی از وزرای مشاوران مأمور رسیدگی بکارهای آذربایجان کرده اند من پیشنهاد میکنم که اصلاحی برای امور آذربایجان وزارتخانه ای دایر شود (اردلان - صلاح نیست آقا) تا سیس وزارتخانه مخصوص برای اداره امور بعضی از ایالات مهم در ممالک متعقد سابقه دارد و آذربایجان استمعلق دارد که چنین وزارتخانه ای برای امور آن تأسیس شود.

بنده راجع بقسمت بهداشت آذربایجان هم یک تذکرانی داشتم که بدو ملی چون آقایان میل دارند زودتر تمام شود این قسمت را هم میگذارم بوقت دیگر و زودتر از خدمت آقایان مرخص میشوم (احسن است)

رئیس - پیشنهاد کفایت مذاکرات رسیده قرائت می شود.

(شرح زیر قرائت شد)

چون موافق و مخالف بعد کافی صحبت کرده اند اینجناب پیشنهاد میکنم که مذاکرات در اطراف برنامه دولت کافی است. سیس قبادیان گذر.

رئیس - آقای قبادیان.

قبادیان - چون بقدر کافی بمقیده بنده در اطراف برنامه بحث شده است و وقت هم مقتضی نیست و اگر دولت بلا تکلیف باشد نمیتواند وظیفه سنگین و مسئولیت خودش را انجام بدهد بنا بر این بنده خیال میکنم دولت آقای هزیر که با رأی تمایل اکثریت مجلس آمده اند با وزرائی که بنده همه شان را میهن پرست و و با کمال من می بینم در اطراف برنامه ایشان هم مفصل صحبت شده است با اینکه خود بنده مذاکره زیادی در اطراف حوزه انتقاییه خودم داشتم صرف نظر میکنم و تقاضا میکنم آقایان نمایندگان بکفایت مذاکرات رای بدهند که دولت از بلا تکلیفی خارج بشود

نمایندگان - رای رای

عباس اسکندری - بنده اخطار دارم.

رئیس - طبق چه ماده ای؟

عباس اسکندری - طبق شق اخیر ماده ۸ نظامنامه چون رای اعتماد بسدوت و برنامه دولت بزرگترین لایحه است میگویند بعد از اینکه شور در آن قسمت تمام شد نمایندگان مذاکره ای که دارند میتوانند بکنند استعفا میکنم قرائت بفرمائید

رئیس - پیشنهاد کفایت مذاکرات شده است راجع بان باید صحبت بکنید.

عباس اسکندری - اجازه بدهید راجع بان صحبت بکنم

رئیس - شما که اجازه نخواستید مخالفت کنید رای میگیریم، رای گرفته میشود به پیشنهاد آقای قبادیان، آقایان بکفایت مذاکرات موافقت دارند قیام کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد. آقای نخست وزیر بیانی دارند بفرمائید.

حائری زاده - آن ماده ۱۰۹ بنده که جائی نرفته است.

حاذقی - شیر در مجلس است

نخست وزیر - مطالبی که آقای حائری زاده نماینده محترم بیان فرمودند بنده در قبال فرمایشاتشان یک توضیحاتی عرض کردم در باب فرمایشات آقای مکی هم بنده توضیح زیادی ندارم فقط راجع بان ورقه نبتی که خواندند بلك مختصر توضیحی عرض میکنم و اکتفا میکنم میگویند در يك قصه ای پرسیدند کدام اصلی بود که دخترش را سگ خورد جواب داد امام نبود میبمیرد بود دختر نبود پس بود که مقصود قصه حضرت یوسف بود که گفت آنهم از اصل دروغ بود جلسه گذشته هم عرض کردم بنده بزرگترین افتخار اینست که آقایان مخالفی که میخواهند ایراد ببنده بگیرند چیزی

بیدان میکنند و بیک چیزهای دیگری میچسبند - این ورقه نبتی چیست؟

بگردی رفته است و کالتنامه ای داده است و این ورقه امضای وکیل را هم ندارد یعنی خودش در بلك دفتر رفته و کالتنامه داده است برای فروش املاکش حالا اگر وکیل قبول سکرد ویدر بنده هم بود خوب به بنده چه؟ و تازه چه گفته است گفته است که من بشما وکالت میدهم که ملک مرا بفروشید در سال ۱۳۲۳ - از آن سال تا حال ۴ سال است گذشته اگر عمل شده بود تازه بلك حرفی آن وکیل که بیدر بنده باشد اگر بفرمائید بکدام راه را فروخته در این بنده که گناهش را باین مینویسد صحیح بود. اما در باب بیانات آقای رحیمیان سکه بنظر بنده با کمال انصاف و از روی وجدان اجرای حق نمایندگی فرموده اند بنده باید توضیح عرض کنم: دو مطلب بنظر ایشان رسیده بود. یکی اینکه بیم دیکتاتوری میرود با وجود بنده - بنده نمایانم چه چیزی در سربای بنده می بیند که بیم دیکتاتوری از بنده دایره خودشان فرمودند که تشریف آوردند و منزل بنده را دیدند که از هر دمکرات هادی دمکرات تر بود. حالا چه طور ممکن است بنده دیکتاتور باشم نمایانم - بنده باید عرض کنم با کمال صراحت که حکومتی در دنیا مورد احترام قلوب مردم است حکومتی است که بر طبق رای اکثریت مردم آن محل عمل میکند (صحیح است) یعنی بنده با حکومت اقلیت بر اکثریت مخالفم (صحیح است) حالا این حکومت اقلیت بر اکثریت را استبدادی میگویند بنده مخالفم. دیکتاتوری میگویند، مخالفم، دمکراسی هم میگویند، مخالفم حکومت ملی هم امش را بگذارید مخالفم، بنده با کمال موافقتی ندارم بایستی آزادی اجرای عقاید و آزادی اظهار عقاید در محیطی انجام بگیرد که همه مردم دنیا از جا بلقا و جا بلسا که نگاه میکنند بگویند مردم در اظهار عقاید خودشان آزادند (صحیح است) و میتوانند آزادانه حرف بزنند اگر بلك چنین حکومتی در هر جای دنیا بوجود آمد بنده از فدائیان آن حکومت هستم و بیجانبی قول میدهم که در هر مدتی کم یا زیاد که بر حسب امر مجلس شورای ملی مأمور این خدمت باشم جز در این راه مقصود بر ندارم (احسن است) استعفا بنده اینست که قیام قبل از جنایت نفرمائید - اگر چیزی برخلاف آن مقصد دیدید بنده در حضورتان هستم اما برای اینکه میگویند اینطور نباشد تقویت لازم است هر حکومتی که بخواهد این منظور را انجام بدهد باید بر کار خودش مستقر باشد و ثابت باشد تا بتواند وظیفه اش را انجام بدهد و باینجهت بود که عرض کردم استعفا من از آقایان نمایندگان محترم صرف نظر از فرا کسیونها اینست که بنده را تقویت بفرمائید تا نظریات تمام فرا کسیونها را بتوانم اجرا کنم و مجبور نباشم که با تکای بلك اکثریت محدودی حکومت مملکت را در دست داشته باشم این استعفا بنده بود از روز اول اما راجع بقسمت شرکت در حکومت آقای قوام السلطنه آقایان وضع ایران در وقتیکه حکومت را آقای قوام السلطنه سیرید وضعی بود که مجلس چهار دم قانون وضع کرد و گفت تا این اوضاع برقرار است اصلاحات انتخاب نکنید (صحیح است) آخر این را در نظر بگیرید

آقایان خودتان فرمودید که وضع طوری است که مردم مملکت ایران نمیتوانند آزادانه اظهار رای بکنند (صحیح است) بنا بر این اعلام انتخابات را بر روی محول بکنید که مردم بتوانند آزادانه رای بدهند (صحیح است) دریک چنین وضعی شما حکومت را با آقای قوام السلطنه سیردید بنده البته در آن چهار پنجاه اول حکومت قوام السلطنه عضویت نداشتم ولی آن روزی هم که بنده رادعوت کردنداوضاع از همان قرار بود (دکتر معظمی - رای ندادم که بر خلاف قانون رفتار بکنید) بنده از همان روز وضع را خدمتتان عرض بکنم که چه بود روزی که بنده مسرفی شدم و از پله های عسارت وزارت دارائی بالا رفتم بلافاصله خزانه دار آمد و گفت همین ماه برای پرداخت حقوق مردم و مخارج ضروری معطلیم ... (صوفی گشاد یازپها بود که میگردند) آنروز که بنده نبودم وضع آذربایجان هم در آنروز معلوم نبود یعنی دولت ایران هوایدی از آنجا نداشت زنجان هم ضمیمه اش بود کردستان هم فقط آرام نبود بلکه دولت مکلف بود که بکدهای قواد آنجا نگاه دارد در این مستلزم مخارج زیادی بود (آصف یعنی مهاباد) بلی مهاباد یک قسمت از کردستان ... (دکتر معظمی این حرف را اما موقع قبول میکنیم که ۵ میلیون اعتبارات را صورتش را با بدهید) بنده که اینجا نبودم ۶ ماه میخواستید بگیرید اعتبارات نوی جیب بنده که بنده اعتبارات دروزارت دارائی است میخواستید بگیرید عرض کنم این قسمت اوضاع آذربایجان اوضاع فارس هم که آقایان میدانند در آن موقع چطور بوده همان موقع دو یک قسمت از خوزستان هم اتفاقاتی رخ میداد در تهران که آقایان میخواهند بفراهمند بایستی قوای حکومت بیطرفانه و عادلانه اعمال اختیارات خودش را بکنند در شکه چی را در یک مرکز حزبی میبردند محاسکه میکردند مأمورین انتظامی را میگردند میکشیدند و میبردند خیابان فلان (صحیح است) در ملایر آقای ملک مدنی تشریف دارند اصلا يك لانه و آشیانه بلوا و فساد شده بود - اوضاع سازندگان بان صورتی بود که ملاحظه میفرمودید - اوضاع کارخانجات بان صورت بود که ملاحظه کردید مالکین اطراف تهران می آمدند میگفتند آقا بهره مالکانه کسی با نیده شما از ممالیات و مازاد فله میخواهید - خلاصه وضع غربی بود (قبادیان - قرب هم بنصب نبود) خلاصه عرض بنده اینست که خزانه خالی، تمام اصول حکومت متزلزل و هیچکس مطیع دستگاه مرکزی نبود از این بالاتر عرض کنم بنده در قیاب مجلس برای این که يك همکاری فکری از آقایان مالکین و تجار بگیریم که بتوانیم بر روی آن اساس مایات را تا حدی عادلانه تر و سهل الوصول تر بگیریم خواهش کردم از ولایات نمایندگان تجار و مالکین بیابند و با آنها مشورت کنیم (صحیح است) آقایان آمدند، من باب تذکر گذشته عرض میکنم - یکی از رفقای عزیز بنده که به نمایندگی مالکین معین شده بود از بنده با الطاح و اصرار تقاضا داشت که اسم این را کنفرانس کشاورزان بگذارند نه کنفرانس مالکین، بجهت اینکه طبقه مالک با این وضع مملکت میترسیدند این وضع مملکت بود امان گفتیم که ما حکومتیم و ترسی

نداریم در اینجا مالکین را دعوت کرده ایم و میخواهیم بدانند که در مقابل تشکلات آن طبقه يك تشکلات مالکین هم هست - اگر شما میترسید دولت نمیترسد (احسن) يك چنین وضعی بود در موقعی که لازم بود مخارجی بشود، بنده اینجا اقرار میکنم حضور آقایان اگر مثل بسیاری از مردمان دنیای ما که فقط ظاهر خودشان را ترجیح بدهند مملکت میدهند بنده مکلف بودم بحکم تقدیر حفظ شخصی سکه فی الفور این استعفائی را که ایشان میفرمایند بعد از چندماه داده و بروم منزل - بنده بیخالی خودم فدائی کردم یعنی خواستم بایستم تا آن روزیکه نمایندگان دوره چهاردهم گفته بودند که برسد بروز انتخابات و آنروزیکه مجلس شورای ملی باز بشود و بگویم که این من و شما، هر چه میفرمائید اطاعت میکنم (صحیح است - احسن) و این کار را کردم و تا مجلس شورای ملی باز شد ماندم آقایان فراموش نفرمائید، آقای قوام السلطنه هم پس از استعراج از رای آقایان مجدداً بنده را بوزارت دارائی منصوب کردند بنده باز باین هم قناعت نکردم حضور آقایان که تشریف دارند تقاضا کردم که بمن شخصاً رای اعتماد بدهند، اگر رای اعتماد دادند میمانم - اگر ندادند نمیمانم - آقای دکتر معظمی بودند که فرمودند احتیاج برای اعتماد مجدد نیست، رای اعتمادی که بدو داده اند بشما هم دادند - (دکتر معظمی - من از نظر اصول گفتم) بنده چند مرتبه باید که خلاصه عملیات خودم را باستحضار مجلس شورای ملی برسانم و استدعای تعیین تکلیف بکنم، گفت پیش که بر آورم ز دست فریادم هم پیش تو از دست تو میخواهم داد بنده اینقدر آنروز از حال طبیعی خارج بودم که بعضی از سروران گرامی بنده به بنده ایراد کردند که این اندازه جوش و خروش معنی ندارد و حق هم داشتند و من دیدم که آقایان نمایندگان با آن اندازه حسن نیت و صفا بنده امر میفرمایند کارم را انجام بدهم رفتم که وظیفه ام را انجام بدهم هنوز هم طوری نشده است الان نیم ساعت بعد هم میتوانی هر طور میخواهید رای بدهید، خوب میفرمائید مقصود مرخص میشوم، در هر صورت خدمات اشخاص را طوری منظور نظر قرار بدهید که باز هم يك کسی دیگر پیدا شد گفت اگر دیدید يك مریدی در کنار راه افتاده بعنوان اینکه مریدی است بردارید و سوار اسب بکنید و بترش برسانید نه اینکه وقتیکه سوار کرد او را خود سوارا از اسب بیندازد و خودش سوار بشود و برود طوری رفتار کنید که برسم جوانردی باشد (صحیح است) اما راجع به آن قسمت که فرمودید مغل آسایش هاء، باز باید حضور آقایان عرض کنم که حکومت در دنیا، حکومتی که بنده میخواهم آقایان لطف بفرمایند و بتوانیم يك مختصری شروع بکنیم، آن حکومتی را که آقای مکی از بنده میخواهند و با بنده تطبیق میفرمایند (مکی - قیاس مع الفارق است) از بنده بر نیاید پیش پیش بنده عرض کنم اما آنچه که میتوانم عرض کنم اینست که حکومت را يك قوه عامله حاکمه بیطرف که بیطرف باشد و تعدیل بکنند بین طبقات مختلف مملکت را یعنی مطیع نظر قرار بدهد و سنگینی خودش را از آنجا

این اقتدارات هالی حکومت را که بردوش گذاشته اند بفتح کسی و بضرر شخص دیگری بکار برده بود اینک تخطی بکنند، این کار از بنده ساخته است (صحیح است) حالا که جنابعالی میفرمائید، جنابعالی هم لطفاً رای بدهید بنده، آن رائی که عبارت باشد از حفظ حقوق حقه بخصومی که تصور میفرمائید يك طبقه دیگری از آن متمتع بشود بنده بسم جنابعالی از آن طبقه دفاع میکنم - اگر ما بتوانیم اینطور حکومتی برقرار بکنیم خدمت بزرگی کرده ایم آقایان اکثریت که با این نظر و با این استدعای بنده رای میدهند بزرگترین افتخار را بر بنده ایجاد میکنند که بنده بتوانم حکومت بیطرفانه بر قرار بکنم اما آن آقایانی که هنوز خلعجانی در خاطر دارند و دغدغه در خیالشان هست و میخواهند رای بدهند بنده آنرا هم باز محترم می شمارم از اینکه بنده می بینم یک کدهای ناظر بی غرض همیشه ایستاده اند و مواظبتند که بنده چه میکنم و از همین مواجیدی را که حضورتان عرض کردم تخطی نکنم و باز اقتضای فرصتی است که بنده می توانم از وجود آقایان بهره مند بشوم (احسن) اما از جمله کارهایی که اینجا کاملاً لازم خواهد بود، استقرار مناسبات و ایجاد روابط اقتصادی و تجارنی با دولت اتحاد جماهیر شوروی میباشد بنده چون میدانم که مصلحت مملکت است و میل نمایندگان مجلس شورای ملی اینست که بر روی اصول حقانیت و انصاف بر قرار شود با تمام قوا سعی خواهم کرد که برقرار شود (صحیح است) (قبادیان - بشرط اینکه ۱۱ تن طلا را هم بدهند) (انشاه الله) مطلب دیگر عبارتست از نهایت سعی و اهتمام برای پیشرفت و توسعه کار کشاورزی، وضع مملکت ما طوری است که هنوز هم ما احتیاج به توسعه کشاورزی داریم در قسمت تجارت هم فرمایشات آقای دکتر معظمی را بنده کاملاً قبول دارم و حتی قدمم شده که کلبه قیدوبند و قیدوشرطی که درست شده بیجا نیست و بایستی هر چه زودتر برداشته شود و روابط بین کارگر و صاحب کارخانه و مالک و کشاورز و بالاخره مستخدمین دولت و کارفرمایان هم، و اینهم در وهله اول هست برای اینکه کلبه اشخاص بتوانند مطابق هایدی که دارند زندگی خودشان را بر آن اساس تأمین کنند (عباس اسکندری - راجع به نفت جنوب هم بفرمائید) راجع به نفت جنوب هم آمده ای که نوشته شده عرض کنم که آقایان يك نکته از نظرشان رفته است در قانون ۲۹ مهر ۱۳۲۶ شرکت نفت جنوب منبای مثال آمده است آنجا نوشته است استیغای حقوق ایران در هر موردی که صدمه ای بان وارد شده باشد از قبیل شرکت نفت - بنابراین بنده فقط برای اینکه شرکت نفت نباشد بان وضع نوشتم یعنی هم شیلان هست و هم شرکت نفت هست، بعین هم در آن هست، فیروزه هم هست و بالاخره تمام حدود و حوزه هایی که جزء لاینجزای مملکت ما میباشد تمام اینها را در نظر گرفته ام که مطالبه بکنیم، بجای نفت و بعین هر چه در اطراف و کناف مملکت هست همه در يك ردیف است (صحیح است - احسن) و بهر حال استعدا

میکند آقایان حالا در رای دادن کالبته شاید تصمیم خودشان را گرفته اند آقای مکی که منتظر نشدند به بینند گلوتهای بهوا بشلک شده بایکی - از همان زمان آقای قوام السلطنه ایشان با من مخالف بودند - امیدوارم که ایشان هم اثر کرده باشد و حلا موجب این بشود که ایشان هم مطمئن بشوند که بنده جز این هر ایضی که عرض کردم نظری ندارم این مثال را باز باید حضور آقایان عرض کنم گفتند در ایام قدیم یکی از کسانی که که نظاهر بروحانیت میکسرد يك بد بخت بیچاره را احضار کرد و گفت من میدانم که شارده گفته اید گفت خلاف عرض کرده اند گفت نه صحیح گفته اند - گفت خودم با ههادتین و با هر چه که بفرمائید اقرار میکنم که من مسلمان و شیعه انتمی عشری هستم گفت آن آن میکسرد چوب بیاروند و اینقدر بزنند که اقرار بکنی - گفت حقیقه شما بر مسند پمیر نشسته اید - پمیر میگفت قولو الا الله الا الله تفلحوا - یعنی میگفت بگوئید لا اله الا الله شما میگوئید میزنت تابگوئی نه لا اله الا الله اگر اینطرز بنا هست در يك جامعه ای قضاوت از نیت و ایمان و عقاید اشخاص بکنند دیگر بنده چه عرض کنم - این را چه میشود اسمش را گذاشت در مملکتی که از قول مرجع تقلید ایران و عالم اسلام اعلامیه جعل میکنند و نشر میکنند آنوقت این آقایانی که آمده بودند اینجا و از راه اسلام خواهی بود بنده نمیدانم که يك چنین اسناد دروفی را بگویند و بنویسند و منتشر بکنند بنده دیگر نمیدانم آن طبقه ای که امثال آن اعلامیه را منتشر کرده اند چه باید با آنها بگویم - حق میخواهید دنبال حق میروید؟ در هر صورت بنده برای یکمرتبه دیگر باید عرض بکنم از جهت اطمینان خاطر آقایان کدر فرهنگمان جنبه تعالیم عالیه اسلامی کاملاً بر قرار خواهد بود و نظر آقایان هم غیر این نیست اطمینان خاطر هم از همین قرار حاصل میشود (احسن - صحیح است - رای رای)

رئیس - پیشنهادی رسیده که بر طبق ماده ۹۲ رای گرفته شود عده حاضر فعلاً ۹۷ نفر نسبت به برنامه دولت اعلام رای میشود.

حائری زاده - بنده توهین کردند و تهمت زده بودند من باید توضیح بدهم بموجب ماده ۱۰۹

رئیس - حالا اطلاعهای شده، بعداً می توانید بفرمائید، آقای مکرّم هم مقدم بوده اند.

(طبق ماده ۹۲ اسامی آقایان بترتیب ذیل قرائت شد و رای دادند)

آقایان، خسرو هدایت، اسلامی، بهجانی، اردنک، دهقان، مکرّم، محمد علی مسعودی، بهادری، سزاوار، عباس مسعودی، دکتر معتمدی، اسدی، منصف، نراقی، شریف زاده، کامل، ماکوئی، دکتر فلسفی، اردلان، حاذقی، دکتر آشتیانی، رفیع، دکتر امینی، دکتر مصباح زاده، دکتر بقائی، دکتر معظمی، امامی، غلام حسین صاحب دیوانی، صدرزاده، اسامی مخالفین - آقایان، دکتر معظمی، رحیبیان، عباس اسکندری، آشتیانی زاده، حسین مکی، سید ابوالحسن حائری زاده.

فخست وزیر - بنده تصدیق زیادی ندارم با اظهار امتنان قلبی از لطف آقایان میخواهم عرض کنم که روزی هم که مرخص میشوم امیدوارم طوری خدمت کرده باشم که با ۸۸ رای موافق ولی از کثرت خستگی از حضور آقایان مرخص شوم

۴ - **موقع و دستور جلسه بعد** -

رئیس - جلسه را ختم میکنیم و جلسه بروز

نوی، گنابادی، مسعود تابتی، بین اسفندیاری، اهراز نیک بی، تولیت، سید هاشم وکیل، لبقوانی، معتمد دماندی، محمود محمود، آصف، لاهوتی، بوداغبان، سالار بهزادی، خوئیلر، بانامقلیج، ساعد، دکتر منگی، گنججای، شریعت زاده، شادلو، ناصر ذوالفقاری، فلامحسین صاحب دیوانی، ابوالقاسم بهجانی، معین زاده، گرگانی، صاحب جمع، دکتر عبده، صادقی، فاضلی، نواب هراتی، عبدالرحمن فرامرزی، ارباب کیو، عرب شیبانی، مهندس رضوی، ملکپور، فولادوند، موسوی، صدر زاده.

رئیس - از ۹۶ نفر عده حاضر برنامه دولت آقا وزیر با اکثریت ۸۸ رای تصویب شد (نمایندگان مبارک است) ۱۶ ورقه کبود و دو نفر متمتع میباشند.

اسامی موافقین - آقایان، سزاوار، فاضلی، دکتر عبده، دکتر ابوالحسن ملک، ارباب کیو، ضیاء ابراهیمی، محمد تقی خوئیلر، نواب یزدی، دکتر رضازاده شفق، مرتضی شریف زاده، وزیر اعظم زنکنه، دکتر معتمدی، اردلان، حسن مکرّم، دکتر بقائی، دهقان، رفیع، ابوالقاسم امینی، دکتر مصباح زاده، لاهوتی، لبقوانی، مسعود تابتی، مهندس خسرو هدایت، نورالدین امامی، ابوالفتح دولتشاهی، محمدعلی مسعودی، دکتر فلسفی، ابوالقاسم بهجانی، ناصر ذوالفقاری، دکتر آشتیانی، منصف، عباس مسعودی، دکتر علی امینی، محمد ذوالفقاری، مهسی ارباب، وثوق، شکرالله صوفی، ابوالحسن رضوی، دکتر راجی، جعفر کفائی، یالیزی، عرب شیبانی، نراقی، اورنگ، سلمان اسدی، هراتی، علی وکیل، بهاء الدین سکهد، محسن کنا بادی، گنججای، آصف، ساعد، تولیت، کامل ماکوئی، علی بهجانی، بین اسفندیاری، معتمد دماندی، فولادوند، گرگانی، سالار بهزادی، نبوی، قبادیان، شریعت زاده، امیر حسین ظفر بختیار، ملک مدنی، حسن اکبر، هاشم وکیل، ابوالحسن صادقی، اهراز نیک بی، محمود محمود، معین، زاده باقری، صاحب جمع، مهدی بانامقلیج، بوداغبان، فرامرزی، شادلو، ملکپور، ابوالفضل حاذقی، کشاورز صدر، بهادری، موسوی، نصره الملك ملک، نیکپور، دکتر طباطبائی، اسلامی، امامی اهری، غلام حسین صاحب دیوانی، صدرزاده، اسامی مخالفین - آقایان، دکتر معظمی، رحیبیان، عباس اسکندری، آشتیانی زاده، حسین مکی، سید ابوالحسن حائری زاده.

فخست وزیر - بنده تصدیق زیادی ندارم با اظهار امتنان قلبی از لطف آقایان میخواهم عرض کنم که روزی هم که مرخص میشوم امیدوارم طوری خدمت کرده باشم که با ۸۸ رای موافق ولی از کثرت خستگی از حضور آقایان مرخص شوم

۴ - **موقع و دستور جلسه بعد** -

رئیس - جلسه را ختم میکنیم و جلسه بروز

شنبه موكول میشود .
(جلسه يكساعت و ربع بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی رضاحکمت

انتخابات و احکام

شماره ۱۹۲۳۶ - ۳ - ۱۳۳۲ - ۲۹
دروازت دارائی
آقای عبدالعظیم فروغان بسمت مستشار شعبه پنجم دیوان محاسبات منصوب گردیده اند .
شماره ۱۸۵۱۹ - ۳ - ۲۵ - ۲۷
آقای اسفندیاری معاون دارائی و اقتصادی اراک با حفظ سمت قبلی بکفالت و ذیجسابی آن اداره منصوب گردیده اند .
شماره ۱۹۲۶۹ - ۳ - ۲۷ - ۲۹
آقای محسن کاظمی بسمت ریاست و ذیجسابی حسابداری دیوان محاسبات منصوب گردیده اند .
شماره ۱۷۰۱۱ - ۱ - ۲۷ - ۲۳
آقای علی اکبر سیدزاده معاون اداره کل مالیات بر مستغلات بسمت ریاست و ذیجسابی دارائی و اقتصادی سنج منصوب گردیده .
شماره ۱۷۶۹۷ - ۳ - ۲۷ - ۲۲
آقای محمدعلی ذوالقدر بازرس پیشکاری استان هفتم بسمت ریاست و ذیجسابی دارائی و اقتصادی بو شهر منصوب گردیده .
شماره ۱۷۲۱۴ - ۳ - ۲۷ - ۲۵
آقای جواد بهرامی رئیس اداره چهارم کل چهارم نیز تحت نظر ایشان خواهد بود .

شماره ۲۶۲۶۱ - ۱۰۱۷۲ - ۲۷ - ۱۲
آقای علی اشرف مهدی پور
بموجب این ابلاغ دفتر شماره در قریه آقبلاغ قافران حومه قزوین برای ثبت ازدواج رسمیت میدهد وزیر دادگستری
شماره ۱۰۱۷۰ - ۳۶۴۲ - ۲۷ - ۱۳
آقای سید مصطفی باقری
بموجب این ابلاغ دفتر شماره دردهستان ایماک شهسوار برای ثبت ازدواج رسمیت میدهد وزیر دادگستری
شماره ۳۰۰۹۱ - ۱۰۱۶۶ - ۲۷ - ۱۲
آقای تقی داورپناه
بموجب این حکم بسمت سردفتری استاندارسی درجه سوم اصفهان منصوب می شوید طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید وزیر دادگستری
شماره ۳۰۰۹۹ - ۱۰۱۶۴ - ۲۷ - ۱۲
آقای سید ابوالفضل جوادی چهار
چون یکی سردفتر سابق سربند اراک بموجب این ابلاغ دفتر شماره در شهر اراک برای ثبت ازدواج رسمیت میدهد وزیر دادگستری

آقای سید احمد خراسانی سردفتر اسناد رسمی درجه سوم ۱۰۳ تهران

بموجب این ابلاغ استعفای شما از تصدی دفتر اسناد رسمی پذیرفته میشود

وزیر دادگستری

۲۷-۳-۱۰

شماره ۱۰۴۳۴-۳۸۲۰

آقای علی اکبر جعفرزاد سردفتر سابق ازدواج و طلاق منطقه ایل جلالی ماکو

بموجب این ابلاغ مجدد دفتر شما را در منطقه ایل جلالی برای ثبت ازدواج و طلاق رسمیت میدهد.

وزیر دادگستری

۲۷-۳-۲۴

شماره ۱۱۹۲۶-۳۴۷۰

آقای علی اصغر شیخ محمدی سردفتر اسناد رسمی محدود دهستان

قاقزان قزوین

بموجب این ابلاغ استعفای شما از تصدی اسناد

رسمی پذیرفته میشود

وزیر دادگستری

شماره ۱۶۸۸۲-۳۴۶۱

آقای یحیی اعتمادی سردفتر ازدواج ناقل کنارامل

بموجب این ابلاغ استعفای شما از تصدی دفتر ازدواج پذیرفته میشود

وزیر دادگستری

۲۷-۳-۲۴

شماره ۱۲۰۴۴-۴۲۰۹

آقای سید حسن صالح کوتاه

بموجب این ابلاغ دفاتر شما را در قریه نهمور اراضی رود خانه معلات برای ثبت ازدواج و طلاق رسمیت میدهد

وزیر دادگستری

۲۷-۳-۲۶

شماره ۱۲۰۴۶-۴۳۳۰

آقای مجتبی سلطان محمدی سردفتر ازدواج ده گوران طالقان

بموجب این ابلاغ دفتر شما را در ده گوران برای ثبت طلاق رسمیت میدهد

وزیر دادگستری

شماره ۱۰۳۴۰۳۸۱۳

آقای عباس حکیم معانی سردفتر اسناد رسمی شهرری

بموجب این ابلاغ محل رسمیت دفتر شما به تهران تبدیل میشود طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید

وزیر دادگستری

۲۷-۳-۱۳

شماره ۱۰۳۲۲۳۸۰۹

آقای علی اصغر بهادری دفتر یار دفتر اسناد رسمی شماره ۳۴ تهران

بموجب این حکم بسمت سردفتری اسناد رسمی درجه دوم تهران منصوب میشوید طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید

وزیر دادگستری

۲۷-۳-۲۴

شماره ۱۱۸۸۸-۴۳۴۱

آقای کیومرث سهراب سردفتر اسناد رسمی بابلسر

بموجب این ابلاغ دفتر شما را در بابلسر برای ثبت ازدواج رسمیت میدهد

وزیر دادگستری